

پژوهشهای حقوقی

شماره ۲۰

هزار و سیصد و نود - نیمسال دوم

مقالات

- تفاوت اشتباه و جهل نسبت به موضوع قرارداد
 - ورشکستگی به تقلب و تقصیر؛ از قانون تجارت تا قانون مجازات اسلامی
 - معاونت در جرایم غیر عمدی
 - تحلیل تئوری متحدالشکل سازی حقوق قراردادهای تجاری فراملی
 - مفهوم و ماهیت قراردادهای آتی
 - صلح و حقوق بشر در برنامه درسی با تأکید بر اسناد بین المللی
- موضوع ویژه: حقوق میراث فرهنگی: ظرفیت‌ها و چالش‌ها
- شمشیر کند عدالت در صیانت از میراث فرهنگی
 - ساخت، معرفی، حمل، نگهداری و خریداری نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی
 - حمایت کیفری رایت از آثار معماری
 - برخی تحولات راهبردی استرداد اموال فرهنگی در نظام بین المللی معاصر
 - تحولات جدید اعاده اموال فرهنگی با نگاهی به بازگرداندن اموال فرهنگی به بومی‌ها
 - حمایت از اموال فرهنگی در هنگام مخاصمات مسلحانه
 - تکامل مفهوم «کارکردی» اموال فرهنگی در پرتو انسانی‌تر شدن حقوق بین الملل
 - آسیب‌شناسی قوانین حمایت از میراث فرهنگی
 - حق بر نام تاریخی خلیج فارس در آیین حقوق بین الملل
 - تأملی در حل‌وفصل اختلافات راجع به اموال فرهنگی





صلح و حقوق بشر در برنامه درسی با تأکید بر اسناد بین‌المللی

دکتر همایون مافی* - حسین کاویار**

چکیده: یکی از مشخصه‌های هزاره سوم، رویکرد جهانی شدن می‌باشد که به طور قطع بسیاری از مؤلفه‌های امنیتی، کنترل اجتماعی، روابط فرهنگی، سیاسی، بومی و بین‌المللی را تغییر داده است. با این وجود جامعه جهانی همچنان با چالش‌هایی جدی در زمینه دستیابی به صلح و امنیت بین‌المللی روبه‌رو است. موارد متعدد نقض حقوق بشر موجب شده است که دولت‌های جهان به فکر یافتن راه‌حلی به منظور جلوگیری از وقوع چنین پیشامدهایی باشند. به طور کلی موضوعاتی وجود دارند که منحصر به جامعه خاصی نیستند بلکه از مسائل مشترک انسان‌ها در هزاره سوم به شمار می‌روند و نمی‌توان از بعد جهانی آنها غافل شد. از این رو آموزش این مسائل مستلزم دیدگاهی کلان‌نگر می‌باشد. از مهم‌ترین این مسائل، صلح و حقوق بشر می‌باشد. ماده ۵۵ منشور سازمان ملل متحد احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را مبنای تحقق صلح و امنیت در جهان معرفی می‌نماید. یکی از بهترین راه‌های ترویج حقوق بشر و احترام به آزادی‌های اساسی، درونی ساختن و نهادینه کردن ارزش‌ها می‌باشد که به منظور تحقق این امر آموزش صلح و حقوق بشر ضروری است. هدف از این نوشتار در وهله نخست تعیین فروض اصلی و ایجاد ضرورت و آشنایی با آموزش صلح و حقوق بشر در برنامه‌های درسی و بررسی ابعاد حقوقی آن است. در وهله دوم، فرایند ایجاد و تقویت صلح و فرهنگ حقوق بشر از طریق آموزش آنها در برنامه درسی مورد توجه قرار گرفته است. در انتها، لوازم مؤثر و ضروری تحقق برنامه‌های آموزش صلح و

* دانشیار گروه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران hmynmافی@yahoo.com

** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه مازندران و عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی

واحد میمه، h.kaviar@umz.ac.ir

حقوق بشر مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مقاله در نظر دارد از طریق روش تحلیل علمی و بهره‌گیری از منابع و اسناد معتبر و متقن اثبات کند که آیا بین توسعه حقوق بشر و حمایت از صلح از طریق برنامه‌های آموزشی - تربیتی و پیشرفت در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی سنخیت و ارتباط منطقی وجود دارد یا خیر؟ نقش اساسی صلح و آموزش حقوق بشر در برنامه‌های درسی یک نیاز جهانی است که رعایت آن مبنایی برای ساختار سیاسی آزادی انسان به شمار می‌رود. ما در این تحقیق برآنیم تا میزان نفوذ و موفقیت این نوع نگرش را که تعلیم و تربیت یک حق بشری است و یک وسیله ضروری در اجرا و تحقق اهداف مبتنی بر تساوی، توسعه و صلح و یک شرط اجتناب‌ناپذیر در پیشبرد و همبستگی ملت‌ها در همه زمینه‌هاست، نشان دهیم.

کلیدواژه‌ها: صلح، حقوق بشر، برنامه درسی، سازمان ملل متحد، یونسکو.

۱. طرح مسأله

امروزه فرایند جهانی شدن با شتاب روزافزون در حال عبور از مرزهای سیاسی، محدوده‌های فرهنگی و حریم‌های خانوادگی و فردی است. وقایع بین‌المللی نه فقط دولت‌ها بلکه افراد را نیز متأثر ساخته است. دو جنگ جهانی و آثار به جای مانده از آن، رشد سیستم‌های تسلیحات اتمی، ظهور جوامع فراصنعتی - امپریالیستی و تعارض میان آنها در سطح بین‌المللی نشان داده است که مردم عادی و حتی ساکنین نقاط دور افتاده از آثار شوم این تغییرات و رخدادها مصون نبوده و مجموعه این وقایع، جهان را به سمت سراسیمگی پیش برده است. روشن است که در چنین وضعیتی، تغییرات سریع شرایط اجتماعی و اقتصادی در بسیاری از کشورهای جهان باعث بی‌ثباتی و شکل‌گیری بی‌عدالتی و نابرابری در میان ملت‌ها شده است. بدیهی است که عدم آموزش و مدیریت صحیح این گونه پدیده‌ها، تخریب قابل ملاحظه و فزاینده‌ای در زندگی انسان‌ها به همراه داشته و از خاصیت حمایتی فرهنگ‌های بومی، مناسبات اجتماعی، همگرایی و همدلی‌ها کاسته است و موجب درگیری‌ها و تعارضات در صحنه‌های اجتماع ملی و بین‌المللی گردیده است. گرچه اصطلاح «حقوق بشر» جهانی گردیده و کسی با کاربرد این اصطلاح مخالف نیست ولی کمتر کسی است که به‌طور واقعی بداند، حقوق بشر کدامند و چرا مهمند. همچنین گرچه آثار فراوانی برای حقوق بشر می‌توان برشمرد اما در مورد مباحث آموزشی آن تلاش کمتری صورت گرفته است. امروزه مسأله حقوق بشر را می‌توان از جدی‌ترین و ضروری‌ترین موضوعات حقوق بین‌الملل معاصر به شمار آورد. توسعه حقوق بشر را باید یکی از برجسته‌ترین تحولات قرن بیستم دانست که با ملی‌زدایی معیارهای حقوق بشری آن را به عصری جهانی تبدیل کرده است.

از سال ۱۹۴۵ (زمان تأسیس سازمان ملل متحد)^۱ ترویج و حمایت از حقوق بشر و صلح یکی از مهم‌ترین نگرانی‌ها و زمینه‌های اصلی کار سازمان ملل متحد بوده است. بر همین اساس است که

سازمان ملل متحد آموزش صلح و حقوق بشر را یکی از حقوق اساسی بشر دانسته و آن را وسیله مهمی جهت ترویج حقوق بشر می‌داند.

تلاش‌های سازمان ملل متحد در جهت ترویج و حمایت از حقوق بشر ابعاد مختلفی داشته است: تدوین و تصویب اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های مختلف جهت شناسایی حقوق بشر و تعمیق مستمر آن (حقوق مدنی، سیاسی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و...)، تشویق دولت‌ها به تصویب اسناد بین‌المللی، ایجاد نهادها و سازوکارهای لازم جهت تضمین رعایت حقوق بشر، کمک به ایجاد نهادهای دموکراتیک در درون کشورها و تقویت فرهنگ حقوق بشر در بطن جوامع انسانی شناسایی حقوق جدید، تکرر و تقویت نهادها و مکانیزم‌های بین‌المللی نظارتی و ایجاد نهادهای دموکراتیک همگی هنگامی واقعاً مؤثر خواهند بود که فرهنگ متناسب با آن ایجاد گردیده و توسعه یابد. کلیه عوامل مذکور در فوق، بدون تردید به نوبه خود در ایجاد فرهنگ جهانی حقوق بشر مؤثرند اما به نظر می‌رسد آموزش حقوق بشر^۲ در این زمینه نقش اساسی و تعیین کننده دارد و بدین ترتیب در میان فعالیت‌های سازمان ملل متحد در جهت ترویج و حمایت از حقوق بشر، فعالیت‌های آموزشی دارای اهمیتی خاص می‌باشند.^۳ هر روز رسانه‌های دنیا اخباری را در ارتباط با حقوق بشر در بوق و کرنا می‌کنند در حالیکه هنوز اغلب مردم، فهم مبهمی از مفهوم این عبارات دارند. برای مثال، بررسی منتشره در ایالات متحده در سال ۱۹۹۷ نشان داد که ۹۳ درصد از مردم این کشور از شرح محتوای اعلامیه جهانی حقوق بشر ناتوانند.^۴ با اینکه آموزش حقوق بشر، یک حق بشری است و حقوق بشر باید بخشی از آموزش پایه‌ای برای هر فرد باشد، بر اساس نظام ارزشی جهانی که کرامت انسانی و برابری را مورد تأیید قرار می‌دهد، آموزش حقوق بشر برای صلح یک نیاز است. هدف غایی از این آموزش، این است که ساکنین این کره خاکی، تعهد و مسؤولیت جای دادن این ارزش‌ها را در زندگی روزمره خود بر عهده گرفته و مهارت‌هایی را جهت دفاع از این ارزش‌ها تحصیل کنند.^۵

اگرچه در سطح جهانی یک توافق کلی در مورد آموزش صلح و حقوق بشر وجود دارد و علی‌رغم نقش ویژه‌ای که یونسکو^۶ در جهت ترویج آموزش صلح و حقوق بشر و کمک به کشورها در این زمینه ایفا می‌کند، اما در غالب کشورها از جمله کشور ما امکانات عملی برای اجرای این آموزش ناکافی است. بدون تردید برای ایجاد و تقویت فرهنگ صلح و حقوق بشر از طریق آموزش آن، دولت باید در اولین گام، مصمم به ایجاد تغییرات مشخص در نحوه آموزش رسمی خود و ایجاد حساسیت نسبت به رعایت حقوق بشر در درون ساختارها و مؤسسات دولتی گردد. آنچه مسلم است آنکه به منظور تحقق حق آموزش حقوق بشر، علاوه بر تصویب اسناد و

2. Human Rights Education

3. J. Symondes (1998), "The State Duty to Promote Human Rights Education", in *Human Rights Education: Achievement and Challenge*, Turkw, p. 11.

4. Amnesty International Organization (1998), "Human Rights education: a right and a responsibility", in UNESCO (ed.), *Taking action for Human Rights in twenty-first century*, Paris: UNESCO Pub., p. 19.

5. Betty Reardon (1995), *Educating for Human Dignity*, Pennsylvania University, p. 19.

6. UNESCO (United Nations Educational Scientific and Cultural Organization).

همکاری سازمان‌های مختلف، نیازمند تدوین برنامه‌ها و راهکارها و همچنین روش‌هایی هستیم که در غالب آن روش‌ها بتوان آموزش حقوق بشر را ارائه نمود.

هدف از این نوشتار در وهله نخست، تعیین فروض اصلی و ایجاد ضرورت و آشنایی با آموزش صلح و حقوق بشر در برنامه‌های درسی و بررسی ابعاد حقوقی آن است. در وهله دوم، فرایند ایجاد و تقویت صلح و فرهنگ حقوق بشر از طریق آموزش آنها در برنامه درسی مورد توجه قرار گرفته است. در انتها، لوازم مؤثر و ضروری تحقق برنامه‌های آموزش صلح و حقوق بشر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. اهمیت موضوع

در آغاز هزاره جدید چالش‌های عمیقی فراروی جامعه جهانی وجود دارد. موارد متعددی چون انزوا و گوشه‌گیری جوانان از جامعه، افزایش میزان جنایات خشونت‌بار جوانان و نوجوانان، تخریب محیط‌زیست و درگیری‌های متعدد محلی و بین‌المللی از جمله این مسائل می‌باشند. به علت پیچیدگی‌های موجود در جهان معاصر و گسترش وسایل ارتباط جمعی، بسیاری از کودکان خشونت را از طریق رسانه‌ها فرا می‌گیرند.^۷ همچنین ظهور اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای خشونت را بیش از پیش ترویج داده‌اند، به نحوی که به تدریج خشونت جزئی از فرهنگ شده و در قالب رفتارهای عادی و روزمره نوجوانان و جوانان متبلور می‌شود، پدیده‌ای که از آن تحت عنوان «طبیعی‌سازی خشونت»^۸ نام برده می‌شود.^۹ «جنیفر جیمز» یکی از محققان در حوزه «آموزش صلح و حقوق بشر» بر این باور است که حتی بهترین مدارس نیز خشونت را هر روز از طریق قوانین و مقررات، محتوای آموزشی و روش‌های تعلیم و تربیت اعمال می‌نمایند. به زعم وی، هنگامی که قوانین و مقررات آموزشی بدون مشارکت دانش‌آموزان تدوین و اجرا می‌شود یا برنامه درسی مدارس به صورت زمان‌بندی شده، فقط بر اساس نظرات بزرگسالان و بدون کمترین توجه به نیازهای دانش‌آموزان تدوین می‌گردد، خود ترویج‌کننده خشونت است.^{۱۰} این نوع خشونت، که از آن تحت عنوان خشونت ساختاری نیز نام می‌برند، می‌تواند احساسات و عکس‌العمل‌های عاطفی و هیجانی را در بین دانش‌آموزان ترویج دهد. در چنین وضعیتی دانش‌آموزان فکر می‌کنند که هیچ‌گونه کنترل و اختیاری بر زندگی و تحصیل خود ندارند و نتیجه طبیعی این فرایند، آسیب دیدن عزت نفس و احساس خود ارزشمندی آنهاست که خود یکی از مؤلفه‌های مهم حقوق بشر

7. Y. Dewine (1998), "Education for a Peaceful World", *Journal of American Psychologist*, 48(3), p. 98.

8. Normalization of Violence

۹. کوروش فتحی واجارگاه (۱۳۸۲)، «بررسی جایگاه صلح و جنگ در کتب درسی دوره ابتدایی»، *مجله علوم*

انسانی دانشگاه شهید بهشتی، ص ۵۴.

10. J. James (1996), *Hope Through Action*, paper presented at national conference of peace education, New York, Nov.16. p. 34.

است.^{۱۱} در چنین شرایطی شاید به سختی بتوان از آموزش صلح و حقوق بشر در مدارس صحبت کرد. اما در عین حال مطالعات این حقیقت را گوشزد می‌کند که آموزش صلح نمی‌تواند تنها بر توقف خشونت فیزیکی در مدرسه و جامعه متمرکز باشد بلکه آماده‌سازی بچه‌ها برای زندگی صلح آمیز مستلزم تعلیم و تربیتی همه جانبه است که آگاهی آنان را از خود، اجتماع، فرهنگ و محیط زیست افزایش دهد و این امر نه تنها باید از طریق اجرای برنامه‌های آموزش صلح و حقوق بشر، بلکه باید در قالب فعالیت‌های تربیتی، تدوین و اجرای قوانین، روش‌های آموزشی و فضا و تعاملات موجود در سطح مدرسه دنبال شود.^{۱۲} از این رو ضرورت دارد جامعه آموزشی از نقش و مسؤولیت‌های خود در قبال هدایت نسل جدید آگاه گردد. تنها این جامعه می‌تواند دانش‌ها، ارزش‌ها، دیدگاه‌ها و توانایی‌هایی را تعلیم دهد و از طریق تمرین‌های روزانه، مفاهیم عدالت اجتماعی را که برای برقراری صلح و حقوق بشر در جهان لازم است، اجرا نماید. یک تمدن نوین یا یک نظم جهانی جدید باید بر اساس حقوق بشر بنیادی که به‌طور جهانی مورد پذیرش و احترام باشد، بنا گردد. برای این منظور، آموزش صلح و حقوق بشر باید اولویت اول تمام شهروندان کشورهای دنیا باشد.

یونسکو آموختن برای همزیستی با دیگران و تربیت برای همزیستی جهانی را از اهداف اساسی تعلیم و تربیت می‌داند. البته این جهت‌گیری نوعی روی‌آوری به یک الگوی تربیت مدنی بین‌المللی است. چرا که جوامع جهانی کم‌کم به سمت جهانی نزدیک می‌شوند که مرزها کنار می‌روند و امکان شناخت بیشتر و الزام در نوعی مفاهیم فرهنگی تقویت می‌گردد. افزون بر آن از این طریق، با تکیه بر ارزش‌های مشترک، زمینه ورود به حیات جمعی بین‌المللی مبتنی بر همدلی، نوع‌دوستی و نزدیکی فرهنگ‌ها را فراهم می‌آورد.^{۱۳} در چنین وضعیتی ما بیش از پیش نیاز به ترویج آموزش‌هایی نظیر آموزش صلح و حقوق بشر داریم.

۳. فروض اصلی و مسائل آموزش صلح و حقوق بشر

۳-۱. آموزش صلح

در مطالعات جدید، مراد از صلح که یکی از اهداف اساسی در صحنه بین‌المللی است، دیگر به معنای جنگ (صلح منفی) نمی‌باشد، بلکه به معنای هماهنگی در فعالیت‌های انسان یا صلح مثبت است.^{۱۴} کانت از جمله کسانی است که برای تفاهم بشری و برقراری صلح از راه آموزش،

۱۱. همان.

12. S. Mc Farland (1999), *A Model for Peace Education: Montessori life*, 11(1), p. 24.

۱۳. مهدی سجادی، (۱۳۸۲)، «جهانی شدن و پیامدهای چالش برانگیز آن برای تعلیم و تربیت»، *مجله علوم تربیتی*

و روانشناسی، دوره سوم، سال دهم، ش ۳ و ۴، صص ۱۳۰-۱۲۸.

14. Hiroko Fujikane (2003), *Approaches to Global Education in the United Kingdom and Japan States*, Kluwer Academic Publisher, 49(1-2), pp. 133-134.

آموزه‌های بدیع و مبتکرانه و برجسته‌ای دارد. وی معتقد است دانش، فقط در یک محیط صلح‌آمیز پیروز می‌شود و عقل تنها در زمان صلح، رشد می‌کند. از نظر او صلح یک غایت و یک آرمان طبیعی است و لازم است تمام فعالیت‌های انسان را در برگرفته و دغدغه همه علوم و دانایی‌های بشری باشد.^{۱۵} امروزه همزیستی مسالمت‌آمیز، یک حق و تکلیف است و ترویج فرهنگ جهانی عدم خشونت، صلح و برابری اولویت دارد.

یونیسف، آموزش صلح را چنین تعریف کرده است: «فعالیتی است که دانش، مهارت، ارزش‌ها و نگرش‌های لازم برای تغییر رفتار کودکان، جوانان و بزرگسالان را برای اجتناب از ایجاد تعارض، حل مسالمت‌آمیز تعارض و گسترش شرایط اجتماعی برای ظهور صلح فراهم می‌آورد و ممکن است این فعالیت‌ها در سطوح میان‌فردی، درون‌فردی، میان‌گروهی ملی یا بین‌المللی رخ دهد».^{۱۶} از لحاظ عملیاتی آموزش صلح می‌تواند متمرکز بر سه بعد دانشی،^{۱۷} مهارتی^{۱۸} و نگرشی^{۱۹} (ارزشی) باشد. منظور از دانش صلح، مجموعه‌ای از آگاهی، اطلاعات، درک و فهم‌های صلح‌آمیز است که هر فرد برای زندگی در جامعه نیاز دارد. منظور از توانش صلح، مجموعه‌ای از مهارت‌ها، قابلیت‌ها و توانمندی‌هایی است که فرد برای رفتار صلح‌آمیز به آن نیاز دارد. منظور از نگرش صلح، مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، باورها و دیدگاه‌های صلح‌آمیز است که برای فرد ضروری است.^{۲۰} برای شناسایی مفاهیم و مؤلفه‌های دانش، توانش و نگرش صلح به جدول ذیل بنگرید. فرهنگ صلح زمانی برای شهروندان جهان اهمیت پیدا می‌کند که آن را به عنوان یک مسأله جهانی درک نمایند و مهارت‌هایی را برای حل تعارضات و کشمکش‌ها کسب نمایند و بتوانند مطابق با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر و برابری زندگی نموده و نیز بتوانند تنوع فرهنگی را درک کرده و به سایرین احترام بگذارند. البته چنین یادگیری فقط می‌تواند با آموزش منظم برای صلح دست یافتنی باشد.^{۲۱}

۱۵. فردریک مایر (۱۳۷۴)، تاریخ فلسفه تربیتی، ترجمه اصغر فیاض، تهران، انتشارات سمت، ص ۱۲۰.

۱۶. بهرام محسن‌پور، (۱۳۸۵)، «برنامه درسی صلح محور از نظر کانت»، تهران، دانشگاه تربیت معلم، رساله دکتری برنامه‌ریزی درسی، ص ۸۹.

17. Knowledge Domain
18. Skill Domain
19. Value Domain

۲۰. کوروش فتحی واجارگاه، (۱۳۸۱)، اصول برنامه‌ریزی درسی، تهران، انتشارات مرکز، صص ۶۱-۵۸؛ همچنین بنگرید: امیرساعد و کیل (۱۳۸۳)، حقوق بشر، صلح و امنیت بین‌المللی، زیر نظر دکتر عباس کدخدایی، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول، ص ۲۵۱.

21. Libby Tudball (2003), *Reflections on a Journey Peace Education in Schools*, Vol. 11, No. 2, pp. 21-22.

شناسایی مفاهیم و مؤلفه‌های دانش، توانش و نگرش صلح

مفاهیم و مؤلفه‌های دانش صلح	مفاهیم و مؤلفه‌های توانش صلح	مفاهیم و مؤلفه‌های نگرش صلح
آگاهی از حقوق و آزادی‌های فردی	توانایی احترام به حقوق و درک متقابل	تقویت فرهنگ بردباری
آشنایی با مفهوم تغییر از طریق تغییرات فرد، طبیعت و جامعه	توانایی گفتگو و تفاهم	پرورش روحیه مشارکت، همکاری، همبستگی و انتقادپذیری
آگاهی از قوانین و مقررات اجتماعی به منظور ایجاد نظم و مسؤلیت‌پذیری	توانایی پذیرش تنوع و تکثیر در جامعه و احترام به آن	احترام به تمامی اشکال زندگی و حیات
آگاهی از تاریخ و سیر تحولات تاریخی	توانایی احساس همدردی با دیگران در سطح گروه، جامعه ملی و بین‌المللی	کسب روحیه جمع‌آوری اطلاعات لازم برای تجزیه و تحلیل مسائل اجتماعی
آگاهی از تعارض بین آزادی‌های فردی و کنترل اجتماعی	تقویت مهارت‌های ارتباطی و گروهی از طریق فعالیت‌های گروهی	پذیرفتن تفاوت‌های سایر ملل و گسترش مفاهیم بین‌المللی از این طریق
آگاهی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و مبارزه با تبعیض	مسؤلیت‌پذیری (فردی و اجتماعی)	علاقه‌مندی به مطالعه تاریخ و حفظ میراث فرهنگی و هویت ملی و مذهبی
آشنایی با روابط متقابل انسان و محیط (اجتماعی و زیستی)	توانایی درک محیط زیست و ارتباط صحیح با آن	داشتن روحیه قانون‌مداری
آگاهی از عوامل مؤثر در ایجاد وحدت ملی و تعارضات آن و به کارگیری روش‌های انسانی در حل تعارضات	مهارت در حل مسأله‌آمیز تعارضات بدون درگیری و خشونت	پذیرش عدم وجود جنگ و نفی خشونت
ارتقاء آگاهی از صلح و روش‌های حصول به آن	التزام عملی به قانون	پذیرش مخالفت با نابرابری‌های تبعیض‌آمیز در جوامع و ملل
آگاهی از عدالت اجتماعی و فرصت‌های برابر	توانایی رعایت اخلاقی و اصول پذیرفته شده اجتماعی	محو خشونت و درگیری

۲-۳. مفهوم آموزش حقوق بشر و حوزه‌های مرتبط با آن

سازمان عفو بین‌الملل،^{۲۲} آموزش حقوق بشر را به عنوان برنامه‌ای که به منظور فراهم کردن دانش و درک در مورد حقوق بشر و تلاشی برای معرفی ارزش‌های حقوق بشری در برنامه‌ها و

آموزش‌های رسمی و غیررسمی است تعریف می‌کند.^{۲۳} به طور کلی، می‌توان گفت آموزش حقوق بشر، مجموعه‌ای از آموزش‌ها در راستای جهات زیر است:

- الف) ایجاد آگاهی در خصوص ارزش‌های مربوط به حقوق بشر؛
 ب) توسعه و تقویت رعایت حقوق بشر از طریق آموزش و پرورش؛
 ج) آشنایی با ساز و کارهای تضمینی جهت برخورد و مقابله با موارد نقض حقوق بشر و التزام و اجبار به رعایت آن.^{۲۴}

بنابراین نمی‌توان آن را به معرفی ساده محتوای حقوق بشر در یک برنامه سنگین درسی تنزّل داد. بلکه می‌باید محدوده وسیعی از فرایندهای یادگیری و فعالیت‌هایی را شامل شود که کودکان و بزرگسالان را قادر می‌سازد که به صورت انفرادی و یا جمعی شخصیت خود را در اجتماع پرورش دهند.

آموزش حقوق بشر شامل یادگیری و تمرین حقوق بشر است. به این معنا که حقوق بشر در تمام سطوح نظام آموزشی اجرا می‌شود و از طریق انتقال محتوا و نیز تجربه کردن، آموزش داده می‌شود.^{۲۵} اصولاً می‌توان گفت آموزش حقوق بشر ناظر به سه حوزه اصلی است:

۱. آموزش‌هایی که سطح دانش مخاطبان را در خصوص حقوق بشر ارتقا می‌دهند. برای مثال؛ آموزش‌هایی که به معرفی اسناد حقوق بشر، تحولات تاریخی مربوط به حقوق بشر و... می‌پردازد (حیطه شناختی)؛^{۲۶}
۲. آموزش‌هایی که شناسایی و معرفی نگرش‌های حقوق بشری یا مغایر با حقوق بشر را هدف قرار داده‌اند، از جمله توجه دادن افراد به مسأله شأن و کرامت انسان، برابری انسان‌ها و... که می‌تواند افراد را برای مشارکت فعال در جامعه آماده سازد (حیطه عاطفی)؛^{۲۷}
۳. آموزش‌هایی که مهارت‌های حقوق بشری مخاطبان را افزایش می‌دهد و آنها را در احقاق حقوق خویش و بازداشتن از نقض حقوق‌شان توانا می‌سازد، از جمله مهارت‌های مربوط به حل مسأله، همکاری و... (حیطه روانی - حرکتی).^{۲۸}

۳-۳. ضرورت و اهداف آموزش صلح و حقوق بشر

یونسکو تخمین می‌زند که تعداد بیسوادان در جهان حدود ۹۰۰ میلیون نفر است که از این تعداد

23. <http://www.amnesty.org/library/pdf/AFRO1003199>, p. 7.

24. اردشیر امیرارجمند، (۱۳۷۸)، «آموزش حقوق بشر»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۲۶-۲۵، صص ۱۶۶-۱۶۵.

25. یونسکو و آموزش حقوق بشر (بی تا)، ترجمه وزارت آموزش و پرورش، تهران، وزارت آموزش و پرورش و

کمیساریای عالی حقوق بشر، ص ۵.

26. Cognitive Domain

27. Affective Domain

28. Psychomotor Domain

گزارش طرح ملی بررسی حقوق بشر در نظام آموزشی مدارس ایران (۱۳۸۳)، تهران، مرکز مطالعات حقوق بشر

دانشگاه تهران، ص ۴.

حدود ۶۵ درصد آنها زن هستند و اغلب آنها نیز در کشورهای جهان سوم زندگی می‌کنند. حق آموزش باید در رأس تمام حقوق انسانی دیده شود. آموزش صلح و حقوق بشر پیش شرط توسعه وجدان و مسؤولیت اجتماعی، احترام به دیگران و فرهنگ همبستگی است.^{۲۹}

آموزش صلح نیازمند آموزش حقوق بشر است. هسته مفهومی صلح، کنترل، کاهش و حذف خشونت است و هسته مفهومی حقوق بشر، شناسایی، تکمیل و جهانی‌سازی کرامت انسانی است. حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و سیاسی می‌توانند در راه تحقق صلح مثبت، بهترین فضا را برای احتراز از بروز درگیری فراهم کنند.^{۳۰}

آموزش، قلب هر استراتژی برای پایه‌ریزی فرهنگ صلح است. آموزش، گسترده‌ترین بستر برای تدارک ارزش‌ها، مهارت‌ها و دانش است که اساس احترام به صلح، حقوق بشر و اصول دموکراتیک را تشکیل می‌دهد. آموزش نه تنها باید باور به این حقیقت را که صلح، ارزش بنیادی نوع بشر است، خلق کند، بلکه باید نگرش دخالت و مسؤولیت در امور مربوط به صلح در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی را قالب‌ریزی کند.^{۳۱}

رعایت حقوق بشر مستلزم آشنایی با مفاهیم انتزاعی و همچنین مکانیزم‌های تضمینی آن است. لذا نحوه آموختن و آموزش دادن این مفاهیم و اسناد بنیادین مربوط به آن از اهمیت خاص برخوردار است. این آشنایی نه طبیعی است و نه خودجوش و آنی و به مانند هر دانش دیگر باید به نحو پویا انتقال یابد. در نتیجه، لازم است زمینه و امکان آموزش حقوق بشر برای همه ایجاد گردد.^{۳۲} دلیل وجودی هر سیستم آموزشی، تحقق بخشیدن به هدف‌های آن نظام است.^{۳۳} اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز اهداف امیدبخشی را برای آموزش حقوق بشر مقرر می‌کنند، برای مثال کنگره بین‌المللی آموزش حقوق بشر وین ۱۹۷۸ اهداف آموزش حقوق بشر را چنین اعلام کرد: «تشویق برخوردهای مبتنی بر دگرپذیری، احترام و همبستگی، به‌دست‌آوردن شناخت و اطلاعات در مورد حقوق بشر و آگاه ساختن افراد از راه‌ها و وسایلی که به یاری آنها حقوق بشر را می‌توان به واقعیت اجتماعی و سیاسی بدل کرد».^{۳۴}

همچنین قطعنامه ۴۹/۱۸۴ مصوب ۱۹۹۴ مجمع عمومی، هدف از آموزش و پرورش را رسیدن به اهداف زیر می‌داند:

(الف) تقویت رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی؛

(ب) شکوفایی همه جانبه شخصیت انسان‌ها و مفهوم حیثیت و کرامت شخصی آنان؛

29. UNESCO (1998), *Taking Action for Human Rights in the Twenty-First Century*, UNESCO Publishing, p. 27.

30. J. Andrepolos and R. Claude (1997), *Human Rights as Education for Peace*, Philadelphia, University of Pennsylvania Press, p. 11.

31. J. Symondes (1999), *Human Rights: New Dimension and Challenges*, Sydney, Ashgate, p. 20.

۳۲. اردشیر امیرارجمند، پیشین، ص ۱۶۵.

۳۳. حسن شعبانی (۱۳۷۹)، مهارت‌های آموزشی و پرورشی، تهران، سمت، ص ۱۳۶.

34. Vienna Congress on Human Rights Education (1978).

ج) ارتقای حسن تفاهم، دگرپذیری، برابری میان مردان و زنان و دوستی بین تمام کشورها، افراد بومی و گروه‌های نژادی، ملی، قومی، دینی و زبانی؛

د) بهره‌مندی تمام افراد از وسایل ضروری برای مشارکت حقیقی در جامعه‌ای آزاد؛

ه) پیشبرد و گسترش فعالیت‌های ملل متحد در راه حفظ صلح.^{۳۵}

برخی از مربیان و صاحب‌نظران بر اهداف شناختی آموزش حقوق بشر تأکید بیشتری دارند و برخی دیگر بر ادغام و همبستگی فراگیر شناختی و عاطفی اصرار بیشتری دارند. اما آنچه مسلم است این می‌باشد که هدف نهایی از آموزش حقوق بشر توانمند ساختن افراد است و توانمندسازی «فرایندی است که کنترل و تسلط مردم و یا اجتماعات را بر زندگی و تصمیمات مؤثر بر زندگی خودشان افزایش می‌دهد».^{۳۶}

شواهد و مطالعات نشان می‌دهد که اهداف برنامه‌های صلح و حقوق بشر در اکثر کشورهای جهان کم و بیش مشابه است. با این همه در کشورهای مختلف جهت‌گیری‌های گوناگون درباره اصول متون و روش‌های آموزش صلح و حقوق بشر وجود دارد. مثلاً در کشورهای غربی، آموزش صلح و حقوق بشر یک کار آموزشی تصور می‌شود که تفاهم و همکاری بین‌المللی را افزایش می‌دهد و در کشورهای سوسیالیستی آموزش صلح و حقوق بشر به معنای تعلیم انسانیت و برابری در قالب نظام آموزش و پرورش رسمی کشور است و همه آموزش‌ها در واقع وابسته به آموزش صلح و حقوق بشر می‌باشد، زیرا صلح و حقوق بشر هدفی برای رشد تاریخی جوامع سوسیالیستی بوده است. در این کشورها عملاً فاصله میان نظر و عمل بسیار بوده است. در کشورهای در حال توسعه، آموزش صلح و حقوق بشر همان آموختن بی‌عدالتی‌های حاکم بر جامعه و تلاش برای کاهش یا از بین بردن آنهاست و تلاشی برای رشد اقتصادی، اجتماعی و ملیت است.

با اینکه تلاش‌های بسیار گسترده‌ای در زمینه آموزش صلح صورت گرفته است، اما نگرانی‌هایی در این مورد وجود دارد. مونته سوری نگرانی خود را این‌گونه بیان کرده است: «آموزش افراد را تشویق می‌کند تا به دنبال علایق شخصی خود بروند. دانش‌آموزان در مدرسه آموزش می‌بینند که هیچ کمکی به اطرافیان خود نکنند و برای پیشرفت همکلاسی‌های خود هیچ تلاشی نکنند و تنها نگرانی‌شان این باشد که در پایان سال رتبه بالا کسب کنند و جایزه این رقابت را به خود اختصاص دهند. این مخلوقات خودخواه که به طور تجربی ثابت شده است از لحاظ روحی و ذهنی خسته هستند، بعدها در زندگی خود را همانند دانه‌ای جدا بر روی کوبیری می‌یابند که هر کس جدا از همسایه خود زندگی می‌کند، آنها بی‌حاصل و بی‌ثمر هستند و اگر طوفانی بیاید این ذره‌های ریز انسانی که هیچ وابستگی به دنیا و زندگی نداشته‌اند، به راحتی از هم پاشیده خواهند شد».^{۳۷}

35. United Nations Decade for Human Rights Education, General Assembly, A/RES/49/184, 23 Dec 1994.

36. Nancy Flowers et al. (2002) *The Human Rights Education Hand Book, Effective Practices for Learning, Action and Change*, www.server.law.wits.as.za/humanrts/edumat/pdf/hreh.pdf. pp. 1-5.

37. M. Montessori (1972), *Education and Peace*, Chicago, Henry Regnery, p. 34.

با توجه به چالش‌های عمیق جامعه جهانی، تقریباً کلیه کشورها در شرف تجدید یا اصلاح سیستم‌های آموزشی خود هستند تا از این طریق به رفع نیازهای مربوط به قرن بیست و یکم بپردازند. در این روند پاسخ به چالش‌ها را دیگر نمی‌توان در زمینه ملی جستجو کرد بلکه مستلزم همکاری گسترده و هماهنگی فراگیر بین‌المللی است.

«شورای جهانی برنامه درسی و آموزش»^{۳۸} در سال ۱۹۷۱ توسط معلمانی از سرتاسر جهان تشکیل شد. در مقدمه اساسنامه این شورا که یکی از سازمان‌های معروف جهانی در امر آموزش است و مسئولیت و جایگاه معینی را در آموزش صلح به خود اختصاص داده، چنین بیان شده است: «اکنون زمانی است که جامعه جهانی و آموزگاران وظیفه اطمینان بخشیدن به مردم را دارند. آموزش نقش مؤثری در ارتقاء برابری، صلح و تصور حقوق بشر جهانی دارد. در نتیجه، تمامی برنامه‌های درسی و آموزشی مؤسسات آموزشی برای کودکان، جوانان و سالمندان باید در جهت ارتقاء عزت نفس افراد، آگاهی اجتماعی و ایجاد توانایی شرکت در تمامی سطوح جامعه جهانی از ملی تا جهانی باشد».^{۳۹} این شورا خواستار تمرکز بیشتر بر روی مسائل صلح، هم در حوزه کتب درسی و برنامه‌های آموزشی و هم در محدوده دانش، نگرش و توانش دانش‌آموزان است. آنها معتقدند در حقیقت مدرسه باید مکانی برای آموزش و پرورش صلح و مفاهیم باشد.^{۴۰} زیرا کودکان و نوجوانان امروز، رهبران و تصمیم‌گیرندگان فردای جامعه هستند و هرگونه تلاش برای ایجاد باور عمیق نسبت به صلح و ضرورت احترام به خود، دیگران و محیط پیرامون می‌تواند در خلق و حفظ جهانی صلح‌آمیز بسیار مؤثر باشد.^{۴۱}

پژوهش‌های صلح نشان داده‌اند که صلح تنها به واسطه تغییر آگاهی انسان به وجود نمی‌آید و تنها به خواست مردم محقق نمی‌شود، بلکه مسأله صلح به امکان تغییر مؤثر ساختارهای اجتماعی نیز مربوط است. از این رو آموزش صلح باید بر مفاهیم کلیدی مانند تجاوز سازمان یافته، خشونت ساختمند و عدالت اجتماعی تکیه کند. به همین منظور، آموزش باید به عمیق‌ترین مرکز شخصیتی انسان و به قضاوت اخلاقی سرشت و طبیعت صلح، کنجکاوی و همکاری دست یابد.^{۴۲}

۳-۴. اسناد و رویدادهای بین‌المللی مبتنی بر آموزش صلح و حقوق بشر

اهمیت تعلیم و تربیت برای ترویج حقوق بشر در فرصت‌های گوناگون توسط سازمان ملل متحد مورد اذعان قرار گرفته است. هنگام تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر،^{۴۳} مجمع عمومی اظهارنظر نمود که این متن بین تمام مردم دنیا انتشار یابد و توصیه نمود که دولت‌ها موجبات نشر، نمایش،

38. World Council of Curriculum and Instruction (WCCI).

39. T. Carson (1988), *Education for Peace in Belgium*, The Peace Educator, 1(4), p. 19.

40. B. Reardon (Fall 1982), "Reasponse: Needs in Peace Education Development Identified by Glass", in D. Sloan (Ed.), *Teachers College Record*, 84 (1), pp. 237-239.

41. Y. Dewine, "Education for a Peaceful World", p. 18.

42. O.F. Bollnow (1966), *Crisis and New Beginning: Security and Peace as a Task of Education*, Heidelberg, p. 77.

43. Universal Declaration of Human Rights Resolution 217 (III) of 10 December 1948.

قرائت و تشریح اصولی آن را در مدارس و دیگر مؤسسات آموزشی فراهم آورند. این پیشنهاد توسط شورای اقتصادی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفت. مجمع عمومی در سال ۱۹۵۰ از یونسکو^{۴۴} دعوت نمود که تفسیر درباره اعلامیه جهانی در مدارس و برنامه‌های آموزشی بزرگسالان را از طریق مطبوعات، رادیو و خدمات سینمایی تشویق و تسهیل نماید. در سال ۱۹۷۱، کمیسیون حقوق بشر^{۴۵} به یونسکو اصرار نمود که مطلوبیت آغاز مطالعه منظم و ایجاد یک نظام علمی مستقل حقوق بشری، با نظر تسهیل درک، مطالعه و آموزش حقوق بشر در سطح دانشگاهی و در نتیجه دیگر سطوح آموزشی را بررسی نماید. دو سال بعد در سال ۱۹۷۳، کمیسیون، سازمان را تشویق نمود که تعلیم حقوق بشر برای همه و در همه سطوح را گسترش دهد. در پاسخ به این مسأله، کنفرانس عمومی یونسکو در سال ۱۹۷۴ توصیه‌نامه‌ای را درباره تعلیم برای تفاهم بین‌المللی، همکاری و صلح و آموزش درباره حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به تصویب رساند.^{۴۶} در سال ۱۹۷۸ کنگره بین‌المللی آموزش حقوق بشر در وین به وسیله یونسکو تشکیل شد. این کنگره اولین اجتماع بزرگ متخصصین آموزش دولتی و غیردولتی بود. همچنین در چارچوب برنامه‌های چهارمین سالگرد اعلام اعلامیه جهانی حقوق بشر، مرکز حقوق بشر سازمان ملل متحد سمیناری بین‌المللی را در ژنو در اواخر سال ۱۹۸۸ در مورد آموزش حقوق بشر برگزار کرد که در آن نمایندگان بیش از چهل کشور و سازمان‌های بین‌الدولی و غیردولتی و رسانه‌های علاقمند شرکت داشتند. در مارس ۱۹۹۳، برنامه عمل جهانی برای آموزش حقوق بشر و دموکراسی در مونترال تصویب گردید. در فوریه ۱۹۹۹ کنفرانس آسیایی و اقیانوسیه آموزش حقوق بشر در شهر پونای هند با شرکت کشورهای منطقه و مشارکت یونسکو و کمیسیون عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد تشکیل شد.^{۴۷، ۴۸} در کنفرانس ۱۹۹۳ وین، آموزش حقوق بشر، تعلیم و آگاهی دادن در این زمینه برای تقویت تفاهم مشترک، بردباری و صلح بین جوامع ضروری دانسته شده است.^{۴۹}

برای اینکه حقوق بشر در یک کشور جایگاه رفیعی داشته باشد و برتری آن بر سایر قواعد حقوقی حفظ شود، لازم است این حقوق در قانون اساسی مورد شناسایی قرار گیرند. اما برای استقرار یک دولت قانون‌مدار و یک جامعه دموکراتیک، شناسایی این حقوق کفایت نمی‌کند و باید در قانون اساسی، نهادها و مکانیزم‌هایی پیش‌بینی شود تا اعمال صحیح این حقوق را تضمین نمایند. حقوق بشر دارای جنبه بین‌المللی است. در وهله نخست، وظیفه حمایت از حقوق بشر به خود دولت‌ها واگذار گردیده است و فقط هنگامی که یک دولت نتواند از حقوق بشر حراست کند

44. UNESCO (United Nations Educational Scientific and Cultural Organization).

45. Commission on Human Rights.

۴۶. جانوس سیمونیدس (۱۳۸۳)، *حقوق بشر: ابعاد نوین و چالش‌ها*، ج ۱، ترجمه محمد علی شیرخانی، تهران،

انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ نخست، صص ۴۲-۴۱.

47. Pune Declaration on Education for Human Rights in Asia and Pacific, Pune, India, 1999.

۴۸. اردشیر امیراجمند، *پیشین*، صص ۱۶۳-۱۶۲.

49. Vienna Declaration on Human Rights of Action, UNA/CONF.157/23 (19 July 1993), para. 73.

و یا خود، حقوق بشر را نقض کند، جامعه بین‌المللی به ناچار جانشین دولت گردیده و از حقوق افراد در مقابل دولت خاطی حمایت می‌کند. به عبارت دیگر هر چند نباید به گونه‌ای رفتار کرد که دولت و حقوق بشر را در تضاد با یکدیگر قرار دهیم اما باید قبول کرد که وجود تضمینات و مکانیزم‌های بین‌المللی در قبال دولت‌های ناتوان در حمایت از حقوق بشر یا دولت‌های ناقص این حقوق ضروری است.^{۵۰} در بسیاری از اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مسأله آموزش حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته‌اند که به ذکر برخی از مهم‌ترین آنها می‌پردازیم.

۳-۴-۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)^{۵۱}

تعهد کشورها به توسعه آموزش صلح و حقوق بشر، اولین بار در ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر ذکر گردید. بند ۲ ماده ۲۶ اعلامیه، بر لزوم آموزش حقوق بشر تأکید می‌کند. این ماده می‌گوید: «آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر کس را به حداکثر رشد آن برساند و احترام به حقوق و آزادی‌های بشر را تقویت کند. آموزش و پرورش باید حسن تفاهم، گذشت و احترام به عقاید مخالف و دوستی بین ملل و جمعیت‌های نژادی یا مذهبی و همچنین توسعه فعالیت‌های ملل متحد را در راه حفظ صلح، تسهیل نماید».

۳-۴-۲. اعلامیه حقوق کودک (۱۹۵۹)

اصل هفتم اعلامیه حقوق کودک مقرر می‌دارد که: «کودک باید از آموزشی بهره‌مند شود که در جهت پیشبرد و ترقی فرهنگ عمومی او بوده و چنان سازنده باشد که در شرایط برابری فرصت‌ها و امکانات، توانایی‌ها، قدرت، قضاوت و ارزیابی فردی، درک و مسؤولیت اخلاقی و اجتماعی خود را پرورش دهد و فردی مفید برای جامعه شود».

ماده ۱۰ همین اعلامیه اضافه می‌کند: «...کودک باید با روحیه تفاهم، بردباری و تساهل، معتقد به دوستی بین مردم، صلح و برادری جهانی و با آگاهی بر اینکه توانایی و استعداد وی باید وقف خدمت به هموعانش شود، پرورش یابد».

۳-۴-۳. کنوانسیون مبارزه با تبعیض در امر تعلیمات (۱۹۶۰)^{۵۲}

کنوانسیون فوق‌الذکر که در یازدهمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو در پاریس تصویب شد یادآور می‌گردد که دولت‌های طرف این کنوانسیون اذعان دارند: «آموزش باید شکفتگی کامل شخصیت انسانی و تحکیم احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را هدف خود قرار دهد و تفاهم و تساهل و دوستی بین کلیه ملت‌ها و تمام گروه‌های نژادی یا مذهبی و همچنین بسط فعالیت‌های ملل متحد برای برقراری صلح را تسهیل نماید».

۵۰. همان، صص ۱۶۷-۱۶۶.

51. Universal Declaration of Human Rights. Adopted and Proclaimed by General Assembly Resolution 217 A (III) of 10 December 1948.

52. Convention Against Discrimination on Education, UNESCO (1960)

۳-۴-۴- میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) ۵۳

سند دیگری که آموزش را با در نظر گرفتن ملاحظات حقوق بشری مورد توجه قرار داده است، میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد است. ماده ۱۳ آن، چنین مقرر می‌کند: «کشورهای طرف این میثاق موافقت دارند که هدف آموزش و پرورش باید نمو کامل شخصیت انسانی و مفهوم حیثیت آن و تقویت احترام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. علاوه بر این کشورهای طرف این میثاق موافقت دارند که آموزش و پرورش باید کلیه افراد را برای ایفای نقش سودمند در یک جامعه آزاد آماده سازد و موجبات تفاهم و تساهل و دوستی بین کلیه ملل و کلیه گروه‌های نژادی-قومی یا مذهبی را فراهم آورد و توسعه فعالیت‌های سازمان ملل متحد را به منظور حفظ صلح تشویق نماید».

۳-۴-۵. کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) ۵۴

ماده ۲۹ این کنوانسیون مقرر می‌دارد: «کشورهای طرف کنوانسیون موافقت می‌نمایند که موارد ذیل باید جزء آموزش و پرورش کودکان باشد:

الف) پیشرفت کامل شخصیت، استعداد و توانایی‌های ذهنی و جسمی کودکان؛

ب) توسعه احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و اصول مذکور در منشور سازمان ملل

متحد؛

ج)...

د) آماده نمودن کودک برای داشتن زندگی مسئولانه در جامعه آزاد با روحیه‌ای مملو از تفاهم، صلح، تساوی زن و مرد و دوستی بین تمام مردم، گروه‌های قومی، مذهبی و ملی و اشخاص دیگر؛

ه) توسعه احترام به محیط طبیعی».

۳-۴-۶. اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین (۱۹۹۳) ۵۵

این اعلامیه اهمیت زیادی به آموزش صلح و حقوق بشر داده است. بند ۲۰ از قسمت دوم اعلامیه چنین مقرر می‌دارد: «کشورها موظفند طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سایر اسناد بین‌المللی در زمینه حقوق بشر تضمین نمایند که تحصیلات و آموزش با هدف تقویت احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. تحصیلات و آموزش بایستی به حصول درک بیشتر، بردباری، صلح و روابط دوستانه میان ملت‌ها، نژادها و فرقه‌های مذهبی کمک نماید و مشوقی برای فعالیت‌های سازمان ملل در تعقیب این اهداف باشد». کنفرانس جهانی حقوق بشر نقش مهم و سازنده نهادهای ملی برای ارتقاء حمایت از حقوق بشر، به ویژه در

53. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights. Adopted and proclaimed by General Assembly resolution 2200 A (XXI) of 16 December 1966.

54. Convention on the Rights of the Child. Adopted and proclaimed by General Assembly resolution 44/25 of 20 November 1989.

55. Vienna Declaration and Programme of Action. Adopted by the World Conference on Human Rights in Vienna on 25 June 1993.

ظرفیت مشورتی خود نزد مقامات ذی‌ربط، نقش آنان و جبران نقض حقوق بشر و نشر اطلاعات مربوط به حقوق بشر و آموزش حقوق بشر را مورد تأیید قرار می‌دهد (بند ۲۳ از قسمت دوم اعلامیه). از نظر کنفرانس جهانی، آموزش حقوق بشر و اطلاعات عمومی لازمه ارتقاء و دستیابی به روابط پایا و هماهنگ با سایر اجتماعات و درک، تحمل‌پذیری و صلح مشترک می‌باشد. کشورها باید سعی در ریشه‌کنی بی‌سوادی داشته و آموزش را به سوی توسعه کامل شخصیت انسانی و برای تقویت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی هدایت کنند. کنفرانس جهانی از کلیه کشورها و نهادها می‌خواهد حقوق بشر، قانون انسان دوستی، دموکراسی و اجرای قانون را به عنوان درس‌هایی برای آموزش رسمی و غیررسمی ارائه دهند. آموزش حقوق بشر باید حاوی مطالبی از صلح، دموکراسی، توسعه و تحولات اجتماعی طبق ابزارهای منطقه‌ای و بین‌المللی حقوق بشر باشد تا به درک و آگاهی مشترک با توجه به تقویت تعهد جهانی به حقوق بشر منتهی گردد. کنفرانس جهانی با توجه به «برنامه عمل جهانی آموزش حقوق بشر و دموکراسی» که در مارس ۱۹۹۳ توسط گروه بین‌المللی آموزش حقوق بشر و دموکراسی تصویب گردید و با توجه به سایر ابزارهای حقوق بشر به دولت‌ها توصیه می‌کند برنامه‌ها و استراتژی‌های خاصی را تنظیم کرده تا آموزش گسترده حقوق بشر و توزیع اطلاعات عمومی را با توجه خاص به حقوق بشر زنان تضمین کنند. دولت‌ها باید با همکاری سازمان‌های بین‌دولتی، نهادهای ملی و سازمان‌های غیردولتی به طور روزافزون آگاهی افراد را از حقوق بشر و تحمل‌پذیری مشترک ارتقاء دهند. کنفرانس جهانی بر اهمیت تقویت «مبارزه اطلاعات عمومی جهانی» سازمان ملل تأکید دارد. این گروه‌ها باید آموزش حقوق بشر را آغاز و از آن حمایت نمایند و به طور مؤثر اطلاعات را در این زمینه میان عموم توزیع کنند. برنامه خدمات مشورتی و کمک‌های فنی سازمان ملل باید پاسخگوی درخواست‌های دولت‌ها برای فعالیت‌های آموزش در زمینه حقوق بشر و برای آموزش‌های تخصصی مربوط به استانداردهای ابزارهای بین‌المللی حقوق بشر و حقوق انسان دوستانه و کاربرد آنها برای گروه‌های ویژه از جمله نیروهای نظامی، مأمورین اجرای قانون، پلیس و پرسنل بهداشتی باشد. همچنین باید به آموزش حقوق بشر سازمان ملل برای ارتقاء، تشویق و تمرکز بر چنین فعالیت‌های آموزشی توجه داشت (بند «د» از قسمت دوم اعلامیه).

۳-۴-۷. کنوانسیون حقوق معلولان (۲۰۰۶)^{۵۶}

در بند ۱ ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق معلولان چنین آمده است: «دولت‌های عضو، حق آموزش را برای افراد دارای معلولیت به رسمیت می‌شناسند. به منظور تحقق این حق، بدون تبعیض و بر مبنای فرصت برابر، دولت‌های عضو نظام آموزشی فراگیری را در تمامی سطوح و به صورت آموزش مادام‌العمر تضمین می‌نمایند، با هدف:

56. Convention on the Rights of with Disabilities (CRPD) and CRPD Optional Protocol were adopted during the 61 session of the General Assembly: see GA Res. 61/611; 15 IHR 255.

الف) توسعه کامل توانایی‌های انسانی و حس منزلت و خودارزشی و تحکیم احترام به حقوق بشر، آزادی‌های بنیادین و تنوع انسانی؛

ب) توسعه شخصیت، استعداد و خلاقیت توأم با توانایی‌های جسمی و ذهنی افراد دارای معلولیت در جهت نهایت توانمندی‌هایشان؛

پ) توانمند ساختن افراد دارای معلولیت جهت مشارکت مؤثر آنان در جامعه آزاد». دقت در عبارات فوق، این معنی را تداعی می‌کند که مراد از آموزش وسیله‌ای برای نیل به اهداف حقوق بشر نیست، بلکه خود هدف است. آموزش روندی است که طی آن شخص می‌آموزد تا حقوق خود را به طور کامل شناسایی نماید و موانع نیل به آنها را از سر راه بردارد. با توجه به مفاد اسناد مذکور، می‌توان آموزش حقوق بشر را چنین تعریف کرد: «تعلیم، نشر و کوشش برای اطلاع‌رسانی حقوق بشر با هدف ایجاد فرهنگ جهانی حقوق بشر، از طریق شناسایی دانش‌ها، مهارت‌ها و ترکیبی از روش‌هایی که به تقویت احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی؛ توسعه کامل شخصیت انسان و مفهوم شأن و مقام او؛ ترویج تفاهم، مدارا، تساوی جنسیت و دوستی میان تمامی اقوام و گروه‌های مختلف نژادی، ملیتی، دینی، مذهبی و زبانی؛ توانمند ساختن تمامی افراد برای مشارکت فعال در یک جامعه آزاد؛ توسعه بخشیدن به فعالیت‌های سازمان ملل متحد برای حفظ صلح منجر می‌شود».

سایر اسنادی که به موضوع حق آموزش صلح و موازین حقوق بشر می‌پردازند عبارتند از: ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۲ اعلامیه امریکایی حقوق و تکالیف انسان، ماده ۲ پروتکل اول کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۱ منشور اجتماعی اروپا، ماده ۱۲ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر، ماده ۱۳ پروتکل الحاقی به کنوانسیون امریکایی حقوق بشر، ماده ۱۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملل، مواد ۴ و ۲۲ کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان، مواد ۵ و ۷ کنوانسیون حذف تمام اشکال تبعیض نژادی، ماده ۱۰ کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان، مواد ۱۲، ۳۰، ۴۳ و ۴۵ کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق تمام کارگران مهاجر و خانواده آنان، ماده ۲۵ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها، قطعنامه ۱۴ مارس ۱۹۵۴ پارلمان اروپا در مورد آزادی آموزش در جامعه اروپا.^{۵۷}

دهه ملل متحد برای آموزش حقوق بشر (۲۰۰۴-۱۹۹۵): کمیسیون حقوق بشر، طی قطعنامه ۱۹۹۴/۵۱ از مجمع عمومی خواستار برگزاری دهه آموزش حقوق بشر از آغاز ژانویه ۱۹۹۵ گردید؛ بر این اساس، مجمع عمومی طی قطعنامه شماره ۴۹/۱۴۸ مصوب ۲۱ دسامبر ۱۹۹۴ «دهه ملل متحد برای آموزش حقوق بشر» را از اول ژانویه ۱۹۹۵ تا ۳۱ دسامبر ۲۰۰۴ اعلام نمود.^{۵۸} سپس در

۵۷. برای ملاحظه مشروح موارد نک:

G. Alfredsson (1995), *The Right to Human Rights Education, in Economic, Social and Cultural Rights: A Textbook*, Dordrecht.

۵۸. United Nations Decade for Human Rights Education, Office of the High Commissioner for Human Rights, Geneva.

جهت یاری رساندن به این امر «برنامه اقدام دهه آموزش حقوق بشر»^{۵۹} را تصویب نمود. کمیساریای عالی حقوق بشر وظیفه نظارت بر اجرای برنامه اقدام این دهه را عهده‌دار است. این برنامه ۵ هدف را تعقیب می‌کند:

- ارزیابی نیازها و تدوین راهبردها در تمام سطوح آموزش رسمی و غیررسمی و آموزش حرفه‌ای؛

- ارائه و تقویت برنامه‌ها و توانایی‌ها برای آموزش حقوق بشر در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای،

ملی و محلی؛

- نشر جهانی اعلامیه جهانی حقوق بشر در سراسر دنیا؛

- هماهنگی بخشیدن به توسعه مطالب آموزش حقوق بشر؛

- تقویت نقش رسانه‌های جمعی در آموزش حقوق بشر.

نهاد ملی آموزش حقوق بشر:^{۶۰} پیشنهاد تأسیس نهاد آموزش حقوق بشر، یعنی نهادی که به وسیله دولت طبق قانون اساسی یا قانون عادی یا فرمان تشکیل شده و کارکرد آن مشخصاً در زمینه ترویج و حمایت از حقوق بشر است طی قطعنامه شماره ۴۸/۱۳۴ مجمع عمومی طرح گردید.^{۶۱} بر اساس برنامه اقدام دهه ملل متحد برای آموزش حقوق بشر، این نهاد که مجموعه‌ای از بازیگران دولتی و غیردولتی را شامل می‌شود، می‌بایست بر اساس اصول راهنمای آموزش حقوق بشر که طی قطعنامه شماره ۵۲/۴۶۹ مجمع عمومی اعلام شده، اقدام نماید.^{۶۲}

بر اساس اصول راهنمای فوق‌الذکر، می‌بایست طرح‌هایی ملی برای آموزش حقوق بشر توسط نهاد ملی آموزش حقوق بشر با توجه به اولویت‌ها و شناسایی گروه‌های نیازمند به کمک، ارائه گردد و به اجرا درآید، سپس مورد بازنگری قرار گرفته و موارد ضعف آن مرتفع شود. این‌گونه طرح‌ها باید اهداف زیر را پوشش دهند:

- آگاه‌سازی عموم از حقوق و تکالیف مندرج در اسناد بین‌المللی از طریق آموزش رسمی در

کلیه سطوح؛

- تشویق و کمک به مدارس، دانشگاه‌ها، اماکن آموزش فنی و حرفه‌ای برای توسعه حقوق

بشر و درج مطالب لازم در منابع درسی؛

- تشویق دیگر نهادهای جامعه مدنی (سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های کارگران و

کارفرمایان، اتحادیه‌های کار، رسانه‌های جمعی و ...) به گنجاندن مطالب مربوط به آموزش حقوق بشر در برنامه‌های مربوط.

59. Plan of Action for the Decade for Human Rights Education, Report of the Secretary General Document A/49/261/Add.1.

60. National Human Rights Institution.

61. حسین مهرپور (۱۳۷۸)، حقوق بشر و راهکارهای اجرای آن، تهران، نشر اطلاعات، ص ۱۹.

62. A/52/469/Add.1/crr.1.

۴. فرایند صلح و فرهنگ حقوق بشر از طریق آموزش در برنامه درسی

برای بررسی فرایند آموزش صلح و حقوق بشر باید بین آموزش رسمی و غیررسمی تفکیک قائل شد. به طور کلی آموزش حقوق بشر را می‌توان در دو نظام آموزش رسمی و غیررسمی ارائه نمود. در نظام رسمی، آموزش حقوق بشر در مدارس و دانشگاه‌ها انجام می‌شود و در نظام غیررسمی، آموزش حقوق بشر به اقشار و گروه‌های مختلف مردم و خارج از مدارس؛ مثلاً از طریق سازمان‌های غیردولتی و رسانه‌ها انجام می‌شود.^{۶۳}

۴-۱. آموزش رسمی^{۶۴}

وارد ساختن اطلاعات حقوق بشر به آموزش رسمی برحسب سطوح آموزشی، متغیر است. بیشترین اطلاعات مستقیم حقوق بشر در سطح آموزش عالی یا متوسطه و کمترین آن در سطوح پیش از دبستان، ابتدایی و راهنمایی تحصیلی وجود دارد.^{۶۵}

۴-۱-۱. آموزش صلح و حقوق بشر در سطح پیش دبستان

آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان، به عنوان درون دادی^{۶۶} حساس هم از نظر رشد کلی یک فرد و هم از نظر تأثیر در پذیرش و نگهداری کودکان در سطوح ابتدایی دارای اهمیت است و باید در سیاست‌های ملی آموزش و پرورش دولت‌ها مورد توجه و تأکید فراوان قرار گیرد.^{۶۷} شش سال اولیه زندگی کودک سال‌هایی حساس هستند، زیرا میزان رشد در این سال‌ها نسبت به مراحل دیگر رشد، سرعت بسیار بیشتری دارند. کودکان در این دوران تمایل به خود محوری دارند و هر چیز را از دیدگاه و دریچه چشم خود می‌بینند. آنها به فعالیت‌های گروهی بزرگ عادت ندارند و نیز نمی‌توانند برای مدت طولانی ساکت و آرام بنشینند. برای طراحی برنامه آموزشی دوران پیش دبستانی باید به نکات زیر توجه نمود:

الف) آموزش و پرورش در دوران اولیه کودکی برنامه‌ای است برای کودکان ۳ تا ۶ ساله که در دوره پیش از دبستان به سر می‌برند.

ب) برنامه‌های آموزشی برای مقطع پیش از دبستان باید رشد محور و کودک محور باشند و از رویکرد بازی و فعالیت پیروی نمایند.

63. G. Meintjens (1997), "Human Rights Education as Empowerment: Reflections on Pedagogy", in J. George Andreopoulos and Richard Pierre Claude, *Human Rights Education for the Twenty – First Century*, Philadelphia: University of Pennsylvania Press, pp. 75-76.

64. Formal Education

65. جانوس سیمونیدس (۱۳۸۳)، *حقوق بشر: ابعاد نوین و چالش‌ها*، ج ۲، ترجمه محمد علی شیرخانی، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ نخست، ص ۱۸۳.

66. Input

67. ونیتا کول (۱۳۸۱)، *برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان*، ترجمه فرخنده مفیدی، تهران، سمت،

ج) برنامه آموزش و پرورش در دوران اولیه کودکی باید بر رشد کلی و همه جانبه کودک، شامل رشد جسمی و حرکتی، رشد شناختی، رشد زبان و گفتار، رشد عاطفی - اجتماعی، رشد خلاقیت، ابراز وجود و درک زیبایی‌ها تمرکز نماید.

د) برنامه مناسب باید بتواند تعامل با محیط، مشارکت فعال در فعالیت‌های گروهی و توانایی حل مسائل خلاق را در کودکان تقویت نماید.

ه) برنامه‌های این مقطع باید کودکان را برای دوران ابتدایی آماده نماید.^{۶۸}

به آموزش حقوق بشر در سطوح پیش از دبستان در بسیاری از مناطق جهان به خوبی پرداخته نشده است، چرا که آموزش پیش از دبستان برای اکثریت مردم در بسیاری کشورها وجود ندارد و در بسیاری مناطق جهان، آموزش حقوق بشر در این سطوح در آغاز راه قرار دارد.^{۶۹} مطابق با متن سیاست آموزشی کشور کاستاریکا با اصول پروژه مدارس وابسته به یونسکو، نیل به اهداف زیر برای آموزش حقوق بشر به کودکان مشخص شده است، کودک باید قادر بشود که:

الف) در انجام تکلیف روزانه از روش‌های خلاق استفاده کند؛

ب) اهداف، احساسات، افکار و تمایلات خود را با استفاده از روش‌های مختلف توصیفی در جوی همراه با احترام متقابل اظهار دارد؛

ج) اصول همکاری و اتحاد را در کاری که در خانواده، مدرسه یا اجتماع انجام می‌دهد، به منظور بهبود کیفیت زندگی به کار ببرد؛

د) حقوق و مسئولیت‌های خود را در موقعیت‌هایی که در خانواده، مدرسه و اجتماع با آنها روبه‌رو می‌شود تجزیه و تحلیل کند؛

ه) عقاید و نظراتی را که توسط افراد دیگر در مورد موقعیت‌ها و حوادث محیط پیرامون ابراز می‌شود، تجزیه و تحلیل کند؛

و) رسوم، عقاید و ارزش‌هایی را که در خانواده و اجتماع به آنها عمل می‌شود، بفهمد و شرح دهد؛

ی) در جشنواره‌های ملی که اصول دموکراتیک را جشن می‌گیرند، شرکت کند.^{۷۰}

۴-۱-۲. آموزش صلح و حقوق بشر در مقطع دبستان

با توجه به اینکه بسیاری از کودکان تحصیلات خود را پس از این مرحله دنبال نخواهند کرد، برای اکثریت آنان دبستان یگانه فرصتی است جهت کسب آموزش و پرورش در زمینه حقوق بشر. شرکت کنندگان در دوره مطالعاتی آزمایشی بین‌المللی در مورد آموزش حقوق بشر، اهداف این

۶۸. همان، ص ۵.

۶۹. جانوس سیمونیدس، حقوق بشر: ابعاد نوین و چالش‌ها، ج ۲، ص ۱۸۴.

۷۰. یونسکو (۱۳۸۱)، فرهنگ دموکراسی: رویکردی نو برای مدارس، ترجمه سهراب رضایی، تهران، انتشارات

عابد، صص ۵۱-۴۸.

آموزش را در سطح دبستان به نحو ذیل معین کرده‌اند:

الف) فهماندن تدریجی این مطلب به کودک که مدرسه یک اجتماع است و کمک کردن به وی برای ادغام در این گروه اجتماعی که حق اوست؛

ب) واداشتن کودک به شرکت همواره فعالانه‌تر در زندگی مدرسه و بدین‌وسیله، بسط فضائل اجتماعی اساسی در نزد او، فضائلی از قبیل: احترام به حقوق دیگران، حس همبستگی، انضباط و مسؤولیت، تمایل به فدا کردن منافع شخصی خودش به سود جمع و درک حیثیت انسانی؛
ج) عادت دادن او به اینکه مطابق راه و رسم دموکراسی زندگی کند.

در جریان کوشش برای نیل به این اهداف چنین پیشنهاد شده است که باید به کودکان کمک کرد تا:

- شناختی پایه‌ای بدست آورند که به آنان امکان دهد تا تمدن خودشان و تمدن‌های بیگانه را بفهمند و ارزیابی کنند، و نیز به تفاوت‌های موجود میان ملل پی ببرند؛

- کنجکاری و ذوق پژوهش را کسب کنند؛

- مفهوم مکان و زمان را دریابند؛

- قاموسی غنی بدست آورند که بتوانند با آن، افکار و نظرات جدید را بیان کنند و دیگران را از اکتشافات خویش آگاه سازند؛

ه) توانایی استنتاج معقول و انتقادی بدست آورند.^{۷۱}

آنچه باید در مدارس ابتدایی به آن توجه شود توسعه نگرش احترام‌آمیز نسبت به منزلت انسان و شناخت تنوع و تفاوت‌های فردی می‌باشد. این یک نقطه شروع برای مفاهیم اصلی و اساسی حقوق بشر می‌باشد.^{۷۲} مفاهیم دروسی نظیر تاریخ، جغرافیا، علوم اجتماعی، ادبیات، زبان و هنر امکان می‌دهد که حقوق بشر به مستقیم‌ترین نحو در ذهن کودکان رسوخ یابد.^{۷۳} در مطالعه تاریخ می‌توان نقش شخصیت‌های بزرگ و میزان فداکاری آنها را مشخص نمود و از این راه روح وطن‌خواهی و نوع‌دوستی را در شاگردان پرورش داد. همچنین می‌توان زندگی و افکار و عقاید ملل مختلف را مورد مطالعه قرار داد و بدین‌وسیله روح تسامح را در برخورد با عقاید مختلف در بچه‌ها ایجاد نمود و آنها را به بررسی عقلانی و قضاوت صحیح درباره افکار و آراء دیگران تشویق کرد.^{۷۴} در درس‌های مربوط به جغرافیا معلمان می‌توانند از ویژگی‌های محیط زیستی فراگیران صحبت کنند و نیز مسؤولیت افراد انسان را نسبت به محیط زیست‌شان خاطر نشان نمایند.^{۷۵} در اروپا، خاورمیانه، آسیا و اقیانوسیه، منابع حقوق بشر در سطوح ابتدایی از طریق دوره‌های تعلیمات

۷۱. شیلکید (۱۳۵۱)، پیشنهادی چند برای آموزش حقوق بشر، ترجمه پرویز همایون‌پور، تهران، کمیسیون ملی

یونسکو با همکاری انتشارات فرانکلین، صص ۳۶-۳۵.

72. UNESCO (2000), *All Human Beings... A Manual for Human Rights Education*, p. 580.

73. *Ibid.*, p. 58.

۷۴. علی شریعتمداری (۱۳۴۹)، روانشناسی تربیتی، اصفهان، انتشارات مشعل، ص ۳۱۹.

75. *Ibid.*, p. 58.

مدنی در دسترس قرار می‌گیرد.^{۷۶} در طرح درسی که برای آموزش حقوق بشر در مقطع ابتدایی در ایران توسط وزارت آموزش و پرورش و کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل ترجمه و تهیه شده است، آموزش حقوق زیر پیشنهاد شده است:

حق زیستن در محیطی پاک در سال‌های اول تا سوم ابتدایی و در درس علوم، حق استراحت و اوقات فراغت در سال‌های اول تا سوم و در موضوعات درسی علوم اجتماعی، تربیت‌بدنی و بهداشت، حق مراقبت و حمایت در سال‌های اول تا سوم و در درس‌های علوم اجتماعی و آموزش اخلاق، حق آزادی انجمن‌ها و گروه‌ها، در سال‌های اول تا سوم و در آموزش اخلاق، حق محافظت از آسیب‌ها در سال‌های چهارم تا پایان ابتدایی و در درس مطالعات اجتماعی، حق برخورداری از آموزش در سال‌های چهارم تا پایان ابتدایی در آموزش اخلاق، حمایت در برابر بهره‌کشی اقتصادی در همان سال‌های پایانی ابتدایی و در درس مطالعات اجتماعی، حق آزادی عقیده و بیان، در سال‌های پایانی ابتدایی و در درس آموزش مدنی و مطالعات اجتماعی و حق کار در همان سال‌های پایانی ابتدایی و در موضوعات درسی مطالعات اجتماعی و اقتصاد خانواده.^{۷۷}

۴-۱-۳. آموزش حقوق بشر در مقطع راهنمایی و دبیرستان

مقطع سنی راهنمایی دوران گذر از مرحله تفکر انضمامی (عینی) به مرحله تفکر انتزاعی است.^{۷۸} دانش‌آموزان این مقطع توانایی تجزیه و تحلیل بیشتری برای درک مفاهیم اعلامیه جهانی حقوق بشر دارند، بنابراین در برنامه‌های آموزشی این دوره پیشنهاد می‌شود آموزگاران این مقطع به ذکر ماجراهای واقعی از نقض حقوق بشر بپردازند و از دانش‌آموزان بخواهند که این ماجراها را به طور گروهی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند و با اصول اعلامیه جهانی تطبیق دهند.^{۷۹} در سطح راهنمایی وارد ساختن آموزش حقوق بشر معمولاً در دروسی مانند تعلیمات مدنی و تاریخ انجام می‌شود.^{۸۰}

دوره متوسطه از دوره‌های مهم، حساس و مؤثر در زندگی فردی و اجتماعی آدمی است. در این دوره قسمت اعظم استعداد‌های اختصاصی نوجوان و جوان بروز می‌کند، قدرت یادگیری به حد‌اعلائی خود می‌رسد، کنجکاوی جهت‌معینی می‌یابد و مسائل جدید زندگی نظیر انتخاب رشته، انتخاب شغل، گرایش به مرام و مسلک، ذهن آنان را به خود مشغول می‌دارد و به مرحله

۷۶. جانوس سیمونیدس، حقوق بشر: ابعاد نوین و چالش‌ها، ج ۲، ص ۱۸۵.

۷۷. طرح درس‌هایی در زمینه آموزش حقوق بشر در دوره‌های ابتدایی و متوسطه (۱۳۸۳)، ترجمه وزارت

آموزش و پرورش، تهران، وزارت آموزش و پرورش و کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل، صص ۴۳-۲.

۷۸. احمد صافی (۱۳۷۹)، آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه، تهران، سمت، ص ۶۷.

۷۹. پاتریک منسون (۱۳۸۳)، درک اعلامیه جهانی حقوق بشر: از معرفی حقوق بشر در مدرسه راهنمایی، ترجمه

وزارت آموزش و پرورش، تهران، وزارت آموزش و پرورش و کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل، ص ۱.

۸۰. جانوس سیمونیدس، حقوق بشر: ابعاد نوین و چالش‌ها، ج ۲، صص ۱۸۷-۱۸۴.

ادراک ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی و معنوی می‌رسند. از این‌رو این دوره در نظام‌های تعلیم و تربیت کشورهای مختلف اهمیت زیادی دارد.^{۸۱} در مدارس متوسطه فرصت‌های بسیاری برای بحث کردن در مورد مسائل حقوق بشر وجود دارد. اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون حقوق کودک نیز باید، به طور دقیق و کاملاً منطقی مطالعه شوند.^{۸۲} همچنین می‌توان توجه فراگیران را به مسائلی نظیر استعمار، شباهت‌های میان مذاهب، مشکلاتی نظیر آلودگی محیط زیست، سلامتی و آمار مرگ و میر، میراث فرهنگی بشر، سازمان ملل و اهداف آن و صلح جلب نمود.^{۸۳} شاگردان را به بحث و بررسی در این امور تشویق نموده، فعالیت‌های گروهی در این مقطع سنی برای تقویت حس مشارکت و احساس همدردی و مهم‌تر از آن درک برابری افراد ضروری است.^{۸۴} فعالیت دیگری که برای این مقطع پیشنهاد می‌شود، تهیه منشوری برای کلاس و در واقع، مشخص کردن قوانین و مقرراتی برای کلاس می‌باشد و در گام بعدی از دانش‌آموزان برای تهیه و تدوین حقوق بشر دعوت می‌شود. از آنها خواسته می‌شود تصور نمایند که مسئولیت برنامه‌ریزی برای کل جامعه جهانی را بر عهده دارند و باید برنامه و گزارش کاری خود را در مورد خواسته‌ها، نیازها، حقوق و مسئولیت‌ها تهیه کنند.^{۸۵} تغییرات اساسی در برنامه‌های درسی، به منظور هماهنگ ساختن آنها با آموزش حقوق بشر، به ندرت لازم است و غالباً کوشش بر این می‌باشد که مفاهیم و مسائل مربوط به حقوق بشر به مواد معمولی درسی مرتبط شود.^{۸۶} برای مثال درس ریاضیات می‌تواند علاوه بر امکاناتی که وابسته به تاریخچه تحول هر علمی است، امکانات مبتنی بر داده‌های بین‌المللی را نیز عرضه دارد. استعدادهایی که دانش‌آموزان در آمار مقدماتی، تحلیل نمودارها و یا تفسیر داده‌ها از خود نشان می‌دهند، به خوبی می‌توانند در اطلاعات مربوط به خواربار و جمعیت‌شناسی، تولید کشاورزی و صنعتی، هزینه‌های تسلیحات و آموزش و پرورش و دیگر موضوعاتی که با پیشرفت حقوق بشر کم و بیش رابطه دارند، مورد استعمال قرار گیرند.^{۸۷} در درس هنر و موسیقی می‌توان با استفاده از مشارکت دانش‌آموزان در کشیدن نقاشی‌ها و اختلاط رنگ‌ها، ساخت مجسمه و برگزاری نمایشگاه‌ها به آموزش حقوق بشر پرداخت.^{۸۸} فعالیت هنری به خودی خود تأییدی است بر حق شرکت آزادانه در زندگی فرهنگی. شناخت و ارزیابی هنرهای خارجی، پیوندهای همدردی و تفاهم میان ملت‌ها را نشان می‌دهد، پیوندهایی که حس احترام و تعهد نسبت به حقوق جهانی و

۸۱ احمد صافی، پیشین، صص ۹۰-۸۹.

82. *Ibid.*, p. 60.

۸۳ مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد (بی‌تا)، راهنمای آموزش درباره سازمان ملل متحد برای دانش‌آموزان

دوره دبیرستان، صص ۵۲-۱۲.

84. United Nations (1989), *ABC, Teaching Human Rights, Practical Activities for Primary and Secondary Schools*, New York, United Nations, p. 6.

85. *Ibid.*, p. 19.

86. UNESCO, *op. cit.*, p. 60.

۸۷ شیلکید (۱۳۵۱)، پیشنهادی چند برای آموزش حقوق بشر، ص ۴۹.

88. *Ibid.*, pp. 64-65.

عمومی را تقویت می‌کنند. به هنگام مطالعه تاریخ هنر یا زندگی‌نامه هنرمندان و موسیقی‌دانان، آدمی با مسائل مهمی در زمینه آزادی بیان، حمایت از علم و هنر، حفظ آثار و ابنیه هنری مواجه می‌شود. اینها همه موضوعاتی در خور بحث می‌باشند و می‌توانند مفهوم جهانی‌بودن حقوق بشر را به خوبی محسوس سازند.^{۸۹} در طرح درسی که توسط وزارت آموزش و پرورش ایران و کمیساریای عالی حقوق بشر ترجمه و تکثیر شده است، حقوق و موضوعات زیر برای آموزش در مقطع دبیرستان پیشنهاد شده‌اند:

حق برخورداری از امکانات برابر در اوایل متوسطه و در دروس آموزش و پرورش مدنی و آموزش اخلاق، حق برخورداری از خدمات دولت در اوایل دوره متوسطه و در مطالعات اجتماعی، حق حیات در اوایل متوسطه در دروس مربوط به اخلاق و آموزش مدنی، حق رهایی از تبعیض، در اواخر مقطع دبیرستان، موضوع مطالعات اجتماعی، حقوق کارگران مهاجر در اواخر متوسطه و حق برخورداری از شرایط کاری عادلانه و مطلوب در اواخر متوسطه و در درس مطالعات اجتماعی، کودکان خیابانی در اوایل متوسطه در موضوعات درسی آموزش شهری، حق مشارکت در سال‌های آخر متوسطه، موضوع درس‌های اقتصاد و مطالعات اجتماعی، حق حمایت، برای سال‌های آخر متوسطه و در درس مطالعات اجتماعی، حق توسعه در سال‌های آخر متوسطه و در دروس مطالعات اقتصاد محلی، حقوق بشر برای همه در سال آخر دبیرستان و در موضوعات درسی مطالعات اجتماعی.^{۹۰}

۴-۲. آموزش غیررسمی^{۹۱}

آموزش غیررسمی موجب عمومیت یافتن حساسیت نسبت به رعایت حقوق بشر از طریق مشارکت نهادهای عمومی و خصوصی می‌گردد. آموزش حقوق بشر و آزادی‌های عمومی در نهادهای عمومی دولتی و غیردولتی از اهمیت مضاعفی برخوردار است، زیرا موجب استقرار و گسترش فرهنگ انسان‌ذی‌حق و مطالبه‌کننده، حکومت مکلف و پاسخگوی و در نتیجه تعمیق دولت قانون‌مدار می‌شود.^{۹۲} در بسیاری مناطق دنیا اقدامات زیادی برای تعلیم و آموزش حقوق بشر، جدا از برنامه‌های مدارس انجام گرفته است که اغلب این اقدامات توسط ارگان‌های غیردولتی هدایت و رهبری می‌شوند. از این میان، گسترش دروس و برنامه‌های آموزشی که هدف آنها گروه‌هایی نظیر معلولان، کودکان خیابانی و حامیان و پشتیبانان آنها مانند ارگان‌های غیردولتی، رسانه‌های جمعی و برخی رهبران جامعه می‌باشند. برخی نیز بخش صاحب قدرت جامعه را هدف قرار می‌دهند، مانند کارمندان دولت، ارتش، نمایندگان مجلس و پرسنل اجرایی قانون که ممکن

۸۹. شپلاکید (۱۳۵۱)، پیشنهادی چند برای آموزش حقوق بشر، ص ۵۷.

۹۰. طرح درس‌هایی در زمینه آموزش حقوق بشر، صص ۱۰۷-۴۷.

است در غیر این صورت از آزادی عمل خود در مقابل سایر مردم سوءاستفاده کنند.^{۹۳} مزایای آموزش غیررسمی عبارتند از:

الف) مربیان دیگر مجبور به مقابله با مشکلات و مسائل موجود بر سر راه آموزش رسمی نیستند؛

ب) این نوع آموزش می‌تواند رویکردی ترکیبی، مرکب از چند رشته مختلف مانند تاریخ، فلسفه، علوم تربیتی، جامعه‌شناسی، حقوق، علوم سیاسی، اقتصاد و غیره را در پیش گیرد؛

ج) راه‌های مدنظر را می‌توان بر اساس نیازها و علایق‌شان تقسیم‌بندی و سازماندهی کرد؛

د) انعطاف ذاتی این شیوه آموزش، آزادی بیشتری را به آموزگاران و مربیان برای تعیین برنامه درسی می‌دهد.

این شیوه به راحتی قابل انطباق با محدودیت‌های عملی هر یک از گروه‌های مد نظر چه از لحاظ محیط سیاسی یا اجتماعی است. ضمن تحسین این پیشرفت‌ها هنوز باید گفت که ارزیابی تأثیر دقیق آموزش حقوق بشر در سطوح غیررسمی مشکل می‌باشد. بسیاری از برنامه‌ها، مقطعی و غیرروشمند و فاقد ساز و کارهای درون ساختاری ارزیابی مناسب که قادر به تعیین ارزش اجرایی آنها باشد، هستند. همچنین بخش تجارت خصوصی به مقدار کافی با آموزش‌های غیررسمی موجود منطبق نگردیده است.^{۹۴} آموزش غیررسمی باید توسط آموزگاران حقوق بشر آموزش دیده بر اساس ویژگی‌های هر دستگاه صورت گیرد. این آموزش در دو بعد انجام می‌گیرد:

الف) رعایت حقوق بشر و آزادی‌های عمومی شهروندان؛

ب) پاسخگو بودن.

بعضی از دستگاه‌ها مورد توجه ویژه قرار می‌گیرند. در ایران می‌توان از نهادهای زیر نام برد: وزارت کشور، وزارت اطلاعات، وزارت آموزش و پرورش، گزینش، هیأت‌های رسیدگی به تخلفات و اصولاً مراجع شبه قضایی اداری، شهرداری‌ها، قضات، سازمان زندان‌ها، سازمان حفاظت محیط زیست، وزارت کار و امور اجتماعی، سازمان بهزیستی، وزارت بهداشت و درمان، نیروهای انتظامی، صدا و سیما.^{۹۵}

۵. تریبات و لوازم تحقق برنامه‌های آموزش صلح و حقوق بشر

در آموزش حقوق بشر دو دیدگاه وجود دارد که یکی آموزش حقوق بشر را، روی هم چیدن، پرکردن ذهن فراگیران و صرف انتقال محتوا و دانش در مورد حقوق بشر تعریف می‌کند که اصطلاحاً به آن روش «ذخیره‌سازی آموزش و پرورش»^{۹۶} می‌گویند. در اجرای این روش معلم

۹۳. جانوس سیمونیدس، حقوق بشر: ابعاد نوین و چالش‌ها، ج ۲، ص ۱۹۲.

94. G. Meintjens, *op. cit.*, pp. 78-79.

۹۵. اردشیر امیراجمند، پیشین، ص ۱۷۵.

96. Banking Education

نقش محوری دارد و معلومات را مانند هدیه‌ای به فراگیران انتقال می‌دهد. دیدگاه دیگر معتقد است آموزش حقوق بشر علاوه بر انتقال دانش باید منجر به کسب مهارت‌ها، تغییر در نگرش‌ها و به طور کلی توانمندسازی افراد شود.^{۹۷} در این رویکرد، بر آموزش با روش‌های مشارکتی تأکید می‌شود.^{۹۸} روش‌های تشریح مساعی در یادگیری، در بردارنده اقدام جمعی فراگیران در تفکر جدید، فعال و منسجم است.^{۹۹} در این مبحث به ترتیبات و لوازمی که جهت آموزش مؤثر صلح و حقوق بشر مورد نیاز است اشاره می‌کنیم:

۱-۵. تهیه و تصویب طرح ملی آموزش صلح و حقوق بشر

مؤثرترین راه برای گسترش آموزش صلح و حقوق بشر در کشورهایی که در آنها زمینه چنین آموزشی خصوصاً آموزش رسمی وجود ندارد، ایجاد طرح ملی آموزش صلح و حقوق بشر است. با توجه به تجربیات موجود در دیگر کشورها در ایران می‌توان به ترتیب ذیل عمل کرد:

الف) کمیته‌ای علمی مسؤولیت تهیه طرح با مشارکت سازمان‌ها و نهادهای ذیربط گردد (به ویژه نهادهایی که مسؤولیت فرهنگی دارند)؛

ب) تصویب طرح پیشنهادی در هیأت دولت و ارائه آن به مجلس جهت تثبیت جایگاه قانونی آن و پیش‌بینی مکانیزم‌های ضروری جهت الزام کلیه نهادهای حکومتی برای اجرای آن.^{۱۰۰}

۲-۵. الگو ساختن رعایت صلح و حقوق بشر در خود اجتماع آموزشی

اگر آموزش به طور صحیح، مؤثر و صادقانه انجام شود این آموزش همیشه باید حقوق بشر را رعایت کند. فعل و انفعالات و اعمال همه این مجموعه آموزشی باید مبتنی بر اصول حقوق بشر باشند. نقض‌های حقوق بشر که در اجتماع آموزشی اتفاق می‌افتد باید به سرعت و با دقت مورد توجه قرار گیرد. می‌توان گفت احترام به تکرر و تنوع، وجود دموکراسی و آموزش فراگیر محور از ویژگی‌های استراتژی‌های آموزشی مبتنی بر صلح و حقوق بشر هستند. مربیان حقوق بشر باید واقعاً با فراگیران مشارکت کنند و آماده ایجاد اشتباهات و تصحیح آنها باشند و درصدد بهبود تدریس خود بر اساس درخواست و کاربردی که در جهان واقعی وجود دارد، برآیند.

مؤثرترین شیوه برای عمومی ساختن فرهنگ صلح و حقوق بشر و رعایت آن از سوی تک‌تک اعضای هر جامعه، درونی کردن این هنجارهای بین‌المللی است که اساساً کارایی آن بسته به استحکام شبکه ارتباطی فعالان داخلی و بین‌المللی می‌باشد. منظور از اجتماعی شدن، فرایندی است که ایده‌های فردی با تفاهم جمعی، تبدیل به رفتار شایسته می‌شوند. آموزش صلح و حقوق

97. G. Meintjens, *op. cit.*, pp. 65-66.

98. Nancy Flowers *et al*, *op. cit.*

۹۹. بروس جویس، مارشاول، بورلی شاورز (۱۳۷۲)، *الگوهای تدریس، خانواده الگوهای اجتماعی، پردازش*

اطلاعات و انفرادی، ترجمه محمدرضا بهرنگی، تهران، بهرنگی، ص ۳۷.

۱۰۰. اردشیر امیرارجمند، پیشین، ص ۱۷۸.

بشر برای کودکان از اولویت بیشتری برخوردار بوده و زمانی فراگیر خواهد بود که اصول حقوق بشری در اجتماعی شدن کودک حاکم باشد.^{۱۰۱}

۳-۵. ایجاد مهارت در فراگیران برای آموزش صلح و حقوق بشر به دیگران

مردم هنگامی بهتر می‌آموزند که به دیگران آموزش دهند، بنابراین برای دست یافتن به آموزش بیشتر می‌توان به آماده ساختن افراد برای تدریس صلح و حقوق بشر به دیگران اقدام کرد. این استراتژی باعث می‌شود که حقوق بشر بهتر در فراگیران «درونی» شود.

۴-۵. آموزش صلح و حقوق بشر از طریق رویکرد حل مسأله

یکی از روش‌های مؤثر در زمینه آموزش صلح و حقوق بشر، روش حل مسأله است. در شیوه مذکور تلاش بر این است که فراگیران به جای حفظ کردن اطلاعات و مطالب در یک زمینه خاص که محصول تفکر دیگران است، خود عملاً فرایند تولید علم را تجربه کنند و در این مسیر نه تنها به دانشی پایدار دست یافته بلکه به مهارت‌ها و نگرش‌های فراوانی نیز مجهز شوند. از آنجا که فرایند حل مسأله افرادی نقاد و خلاق پرورش می‌دهد، بهترین روش برای آموزش صلح و حقوق بشر قلمداد می‌شود. به خصوص اینکه افرادی که از تفکر انتقادی برخوردارند، بهتر و بیشتر از سایرین می‌توانند ساختارهای اجتماعی مبتنی بر خشونت را به چالش کشیده و در جهت استقرار عدالت در جامعه تغییرات مثبتی را ایجاد کنند.^{۱۰۲}

۵-۵. ایجاد مرکز علمی برای آموزش صلح و حقوق بشر و تأسیس رشته‌های دانشگاهی مرتبط با حقوق بشر

در رابطه با طرح ملی آموزش صلح و حقوق بشر،^{۱۰۳} مراکز علمی مسؤول جنبه‌های آموزشی خواهند بود که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

(الف) برگزاری دوره‌های آموزشی؛

(ب) تهیه و تدوین کتابچه‌ها، کتب، آیین‌های رفتاری، ابزار سمعی و بصری و غیره؛

(ج) برگزاری دوره‌های کوتاه مدت و بلندمدت تربیت آموزگاران حقوق بشر به صورت ادواری؛

(د) ارزیابی دوره آموزشی؛

(ه) تربیت متخصصین سطح عالی حقوق بشر.^{۱۰۴}

در کشور ما دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در پاسخ به نیاز روزافزون جامعه علمی - دانشگاهی به طرح و بررسی علمی مسائل حقوق بشر و با عنایت به اعلامیه نهایی کارگاه

۱۰۱. امیرساعد وکیل، پیشین، ص ۲۵۰.

102. J. Smith (2004), "Peace Education: Exploring Some Philosophical Foundations", *International Review of Education*, 50(1), pp. 3-15.

۱۰۳. نک: بند ۵-۱ همین مقاله.

۱۰۴. اردشیر امیرارجمند، پیشین، ص ۱۷۹.

ترتیبات منطقه‌ای آسیا - پاسفیک (که در سال ۱۹۹۸ در تهران برگزار شد)، با همکاری برنامه عمران ملل متحد، طرح «تقویت ظرفیت‌های آموزش و پژوهش حقوق بشر» را در دستور کار خود قرار داده است. این طرح که فعالیت عملی آن از اردیبهشت ۱۳۷۸ آغاز شد دارای اهداف گوناگون پژوهشی - آموزشی از جمله تأسیس رشته‌های آکادمیک حقوق بشر در سطح فوق لیسانس و گرایش دکترای حقوق بشر می‌باشد.^{۱۰۵}

نتیجه‌گیری

امروزه فرایند جهانی‌شدن در تمام ابعاد خود، تغییر و تحولاتی را برای جوامع به ارمغان آورده است. این تغییر و تحولات به حدی هستند که چنانچه جامعه‌ای بخواهد به بقای خود ادامه دهد، ناگزیر از ایجاد برخی تغییرات همسو با فرایند جهانی‌شدن در بخش‌های مختلف خویش است. به عنوان مثال امروزه سیستم آموزش و پرورش که مهم‌ترین بخش تشکیل‌دهنده هر جامعه است در صورتی می‌تواند به اهداف خویش دست یابد و در عین حال از مزایای جهانی‌شدن بهره‌مند گردد که تعلیم و تربیت را در اولویت اهداف خود قرار داده و فراگیران را به دانش، نگرش و مهارت‌های مورد نیاز در زمینه آن مجهز سازد.

فرهنگ جهانی صلح و حقوق بشر یک هدف دراز مدت است که از طریق ایجاد یک نظام جامع تعلیم و تربیت و اطلاعات عمومی هدف‌دار برای تمام گروه‌های جمعیتی به ویژه زنان، کودکان، اقلیت‌ها، بومیان و معلولان، شامل تمام سطوح تعلیم و تربیت اعم از رسمی و غیررسمی قابل دسترس است.

پیشرفت واقعی در ساخت فرهنگ حقوق بشر با نیاز رسیدگی به توده‌های عظیم محروم شده و بیسوادان و میلیون‌ها کودکانی که حتی فرصت دسترسی به مبادی تعلیم و تربیت را ندارند از طریق تمام وسایل ممکن و برنامه‌های مبتکرانه پیوستگی دارد. از این نقطه نظر تأکید بر «تعلیم و تربیت برای همه»، «تعلیم و تربیت مادام‌العمر»، و ترویج «آموزش بدون مرز» از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. در رابطه با آموزش صلح و حقوق بشر، ضروری است برای برنامه درسی ارزش قائل شد. این برنامه باید اموری همچون استعداد و تفاوت در بین فراگیران، انصاف، یادگیری بین فرهنگی، مسؤولیت اجتماعی، تفکر منتقدانه، جامعیت، احترام و عدم خشونت را مدنظر قرار دهد. این موارد باید در کل سیستم آموزشی گنجانده شود. آموزش صلح و حقوق بشر باید مشتمل بر مؤلفه‌های ذیل باشد:

- الف) داشتن بعد جهانی شامل آموزش تاریخ، آموزش بین فرهنگی و آموزش زبان؛
ب) ترویج عدالت در تمام جنبه‌های زندگی؛

۱۰۵. نسرین مصفا (۱۳۸۳)، مقدمه کتاب حقوق بشر: ابعاد نوین و چالش‌ها، نوشته سیمونیدس، ترجمه محمدعلی شیرخانی، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ نخست.

ج) داشتن رویکرد مبتنی بر حقوق بشر و مبتنی بر ارزش‌هایی از قبیل استعداد، احترام، انصاف، جامعیت و عدم خشونت؛

د) دانش‌آموزان باید در برنامه‌ریزی و محتواها لحاظ شوند و رویکرد آموزشی معلم محوری به رویکرد دانش‌آموز محوری تبدیل شود.

آموزش و پرورش ایران اگر بخواهد هویت ملی و نظام ارزشی و مهارت‌های شهروندی (همچون صلح و حقوق بشر) را تحکیم و اعتلاء بخشد، باید آنان را در عصر جهانی شدن در قرن حاضر آماده کند. برای این منظور، نگرش آموزش و پرورش به برنامه‌های درسی و فعالیت‌های کلاس و مدرسه در آموزش عمومی باید تغییر یابد و افزون بر آموزش‌های درسی، تحکیم هویت و نظام ارزشی انسانی و دینی و ملی، آموزش شهروندی و مهارت‌های زندگی فردی، اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی را محور برنامه‌های آموزشی و تربیتی قرار دهد. آموزش شهروندی محلی و ملی و جهانی به دانش‌آموزان، بخش مهم از این برنامه‌هاست.

مهم‌ترین شرط در استقرار فرهنگ صلح و حقوق بشر در برنامه درسی متقاعد کردن سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان درباره اهمیت آموزش صلح و حقوق بشر است تا از یک طرف بودجه لازم برای تربیت معلمان در زمینه آموزش اختصاص داده شود و از طرف دیگر در فضاسازی مدارس تجدیدنظر شده و هرگونه عاملی که منجر به تحریک فراگیران به خشونت می‌گردد، حذف شود.

پیشنهاد می‌شود جهت استقرار فرهنگ صلح و حقوق بشر در برنامه درسی از روش‌های فعال تدریس به خصوص «روش حل مسأله» استفاده شود تا فراگیران مسائل و مشکلات حاصل از خشونت در زندگی خود و جامعه معاصر را مورد بررسی قرار داده و برای جلوگیری از رشد و گسترش آنها راه‌حل‌های خلاقانه‌ای بیابند.

فهرست منابع

الف) فارسی

- امیرارجمند، اردشیر (۱۳۷۸)، آموزش حقوق بشر، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۶-۲۵.
- بروس جویس، مارشاول، بورلی شاورز (۱۳۷۲)، الگوهای تدریس، خانواده الگوهای اجتماعی، پردازش اطلاعات و انفرادی، ترجمه محمدرضا بهرنگی، تهران، بهرنگی.
- جیمز و آفری، نورمن س، دال (۱۳۵۳)، پژوهشی درباره کاربرد تکنولوژی آموزشی، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، انتشارات فرانکلین.
- سجادی، مهدی (۱۳۸۲)، جهانی شدن و پیامدهای چالش برانگیز آن برای تعلیم و تربیت، مجله علوم تربیتی و روانشناسی، دوره سوم، سال دهم، شماره ۳ و ۴.
- سیمونیدس، جانوس (۱۳۸۳)، حقوق بشر: ابعاد نوین و چالش‌ها، جلد ۱ و ۲، ترجمه محمد علی شیرخانی، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ نخست.
- شریعتمداری، علی (۱۳۴۹)، روانشناسی تربیتی، اصفهان، انتشارات مشعل.

شعبانی، حسن (۱۳۷۹)، مهارت‌های آموزشی و پرورشی، تهران، سمت.

شیلاکید (۱۳۵۱)، پیشنهادی چند برای آموزش حقوق بشر، ترجمه پرویز همایون‌پور، تهران، کمیسیون ملی یونسکو با همکاری انتشارات فرانکلین.

صافی، احمد (۱۳۷۹)، آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه، تهران، سمت.

طرح درس‌هایی در زمینه آموزش حقوق بشر در دوره‌های ابتدایی و متوسطه (۱۳۸۳)، ترجمه وزارت آموزش و پرورش، تهران، وزارت آموزش و پرورش و کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل.

فتحی و اجارگاه، کوروش (۱۳۸۱)، اصول برنامه‌ریزی درسی، تهران، انتشارات مرکز.

فتحی و اجارگاه، کوروش (۱۳۸۲)، بررسی جایگاه صلح و جنگ در کتب درسی دوره ابتدایی، مقاله مندرج در مجله علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.

گزارش طرح ملی بررسی حقوق بشر در نظام آموزشی مدارس ایران (۱۳۸۳)، تهران، مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه تهران.

لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۵)، آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۷، سال پنجم.

مایر، فردریک (۱۳۷۴)، تاریخ فلسفه تربیتی، ترجمه اصغر فیاض، تهران، انتشارات سمت.

محسن‌پور، بهرام (۱۳۸۵)، برنامه درسی صلح محور از نظر کانت، تهران، دانشگاه تربیت معلم، رساله دکتری برنامه‌ریزی درسی.

مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد (بی تا)، راهنمای آموزش درباره سازمان ملل متحد برای دانش‌آموزان دوره دبیرستان.

مصفا، نسرین (۱۳۸۳)، مقدمه کتاب حقوق بشر: ابعاد نوین و چالش‌ها، نوشته سیمونیدس، ترجمه محمد علی شیرخانی، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ نخست.

منسون، پاتریک (۱۳۸۳)، درک اعلامیه جهانی حقوق بشر: از معرفی حقوق بشر در مدرسه راهنمایی، ترجمه وزارت آموزش و پرورش، تهران، وزارت آموزش و پرورش و کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل.

مهرپور، حسین (۱۳۷۸)، حقوق بشر و راهکارهای اجرای آن، تهران، نشر اطلاعات.

وکیل، امیر ساعد (۱۳۸۳)، حقوق بشر، صلح و امنیت بین‌المللی، زیر نظر دکتر عباس کدخدایی، انتشارات مجد، تهران، چاپ اول.

ونیتا کول (۱۳۸۱)، برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان، ترجمه فرخنده مفیدی، تهران، سمت.

یونسکو و آموزش حقوق بشر (بی تا)، ترجمه وزارت آموزش و پرورش، تهران، وزارت آموزش و پرورش و کمیساریای عالی حقوق بشر.

یونسکو (۱۳۸۱)، فرهنگ دموکراسی: رویکردی نو برای مدارس، ترجمه سهراب رضایی، تهران، انتشارات عابد.

ب) انگلیسی

Alfredsson, G. (1995), the Right to Human Rights Education, in Economic, Social and Cultural Rights: A Textbook, Dordrecht.

Amnesty International Organization, (June 1999), sinko, A Manual for Teaching Human

Rights, Available at: <http://www.amnesty.org/library/pdf/AFRO1003199.p.7>.

Amnesty International Organization, (1998), human rights education: a right and a responsibility, in UNESCO (ed.), taking action for human rights in twenty-first century, Paris: UNESCO Pub.

Andreopolos, J. and Claude, R. (1997), Human Rights as Education for Peace, Philadelphia: University of Pennsylvania Press.

Benjamin, T., Peace Education Through Human Rights, Citizenship and Gender Issue Towards Meeting the Challenges of Nationhood, Presented for Humanity Knights Network, Available at:

http://www.humanityknights.net/pdfs/Peace_Education_Through_Human_Rights.pdf, p.16.

Bollnow, O.F. (1966), Crisis and New Beginning: Security and Peace as a Task of Education, Heidelberg.

Carson, T. (1988), Education for Peace in Belgium. The Peace Educator, 1(4).

Dewine, Y. (1998), Education for a Peaceful World, Journal of American Psychologist, 48(3).

Fujikane, Hiroko, (2003), Approaches to Global Education in the United Kingdom and Japan States, Kluwer Academic Publisher, 49(1-2).

James, J. (1996), Hope Through Action, paper presented at national conference of peace education, New York, Nov.16.

Mc Farland, S. (1999), A Model for Peace Education: Montessori life. 11(1).

Meintjens, G. (1997), Human Rights Education as Empowerment: Reflections on Pedagogy, in George J. Andreopoulos and Richard Pierre Claude, Human Rights Education for the Twenty – First Century (Philadelphia: University of Pennsylvania Press).

Montessori, M. (1972), Education and Peace, Chicago, Henry Regnery.

Nancy Flowers et al., (2002) The Human Rights Education Hand Book, Effective Practices for Learning, Action and Change, www.server.law.wits.ac.za/humanrts/edumat/pdf/hreh.pdf.

Reardon, Betty. (1995), Educating for Human Dignity, Pennsylvania University.

Reardon, B. (Fall 1982), Response: Needs in Peace Education Development Identified by Glass, In D. Sloan (Ed.), Teachers College Record, 84 (1).

Smith, J., (2004), Peace Education: Exploring Some Philosophical Foundations, International Review of Education, 50(1).

Symondes, J., (1998), “The State Duty to Promote Human Rights Education, in Human Rights Education: Achievement and Challenge”, Turkw.

Symondes, J., (1999), Human Rights: New Dimension and Challenges, Sydney, Ashgate.

Tudball, Libby. (2003), Reflections on a Journey Peace Education in Schools, Vol.11, No.2.

UNESCO, (1998), Taking Action for Human Rights in the Twenty-First Century, UNESCO Publishing.

UNESCO, (2000), All Human Beings...A Manual for Human Rights Education.

United Nations, (1989), ABC, Teaching Human Rights, Practical Activities for Primary and Secondary Schools, New York, United Nations.

ج) اسناد بین المللی

Universal Declaration of Human Rights Resolution 217 (III) of 10 December 1948.

Vienna Declaration on Human Rights of Action, UNA/CONF.157/23 (19July 1993), para73.

Pune Declaration on Education for Human Rights in Asia and pacific, Pune, India, 1999.

United Nations Decade for Human Rights Education, General Assembly, A/RES/49/184, 23Dec 1994.

Plan of Action for the Decade for Human Rights Education, Report of the Secretary General Document A/49/261/Add.1.

International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights. Adopted and proclaimed by General Assembly resolution 2200 A (XXI) of 16 December 1966.

Convention on the Rights of the Child. Adopted and proclaimed by General Assembly resolution 44/25 of 20 November 1989.

Vienna Declaration and Programme of Action. Adopted by the World Conference on Human Rights in Vienna on 25 June 1993.

Convention on the Rights of with Disabilities (CRPD) and CRPD Optional Protocol were adopted during the 61 session of the General Assembly: See GA Res. 61/611; 15 IHRR 255

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. X, No. 2

2011-2

Articles

- The Differences between Mistake and Ignorance to the Subject-Matter of Contract
- Bankruptcy in Fault and Fraud: From Commercial Code to Islamic Penal Code
- Complicity in Unintentional Crimes
- Concept and Nature of Future Contracts
- Analysis The Theory of the Unification of Transnational Commercial Contracts Law
- Peace and Human Rights in Curriculum under the International Instruments

Special Issue: Cultural Heritage Law: Capacities and Challenges

- Unable Justice and Preservation of Cultural Heritage
- Islamic Penal Code of Iran on Crimes against Cultural Property: 566 bis Article
- Copyright Protection for Architectural Works
- Some Strategic Developments in Restitution of the Cultural Property in Contemporary International Law
- New Developments in Restitution of Cultural Property with a View to Restitution of Indigenous People's Cultural Property
- The Protection of Cultural Property in Times of Armed Conflicts: The Practice of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia
- "Functional" Concept Evolution of Cultural Property in a More Humanization of International Law
- Deficiencies in Legislations for Protection of Cultural Heritage
- Right on the Historical Name of the Persian Gulf from the Perspective of International Law
- Examining Various Mechanisms for International Disputes over Cultural Properties



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study

ISSN: 1682-9220